

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ آلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ

هویت اجتماعی

(کتاب درسی علوم اجتماعی)

شعاعی رانی و فزوک - تالیف و ترمیم - نسی وحیدہ ای - کارڈز

پہلی فونڈھم

دورہ دوم متوسطہ



کلیه حقوق مکتوب و معنوی این کتاب، منطبقاً به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به‌صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تکثیر، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

فهرست

۱. مبانی و مفاهیم کلیه رشته‌ها
۲. درس اول: گشتی‌های با
۸. درس دوم: پدیده‌های اجتماعی
۱۸. درس سوم: جامعه و فرهنگ (چهارم اجتماعی)
۲۶. درس چهارم: ارزیابی فرهنگ‌ها
۳۵. درس پنجم: هویت
۴۵. درس ششم: بازتولید هویت اجتماعی
۵۲. درس هفتم: تحولات هویتی جامعه
۶۳. درس هشتم: بعد فرهنگی هویت ایران
۷۳. درس نهم: بعد سیاسی هویت ایران
۸۳. درس دهم: بعد جمعیتی و اقتصادی هویت ایران
۹۲. منابع

سخنی با دانش آموز

دانش آموزان عزیز

سلام

مخاطب کتاب علوم اجتماعی پایه دوازدهم، شما عزیزانی هستید که رشته تحصیلیتان علوم انسانی است. این کتاب زمینه‌آشنایی شما با علوم انسانی و اجتماعی را فراهم می‌کند. علوم انسانی و اجتماعی، خود لسان و زندگی فردی و اجتماعی او را مطالعه می‌کنند و مسیر شناختن و ساختن خویش، دیگران و جوامع انسانی‌اند. تحقیق و پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، یاداندان و بلدگرفتن آنها و استفاده از این علوم در زندگی فردی و اجتماعی، شریک شدن در ساختن هویت خویش و جامعه است. این مهم می‌باید شد تا موضوع و مسئله اصلی کتاب شما، روایت هویت افراد و جوامع باشد.

کتاب حاضر هر ده درس تنظیم شده و بهتر متناسبی برای آشنایی شما با مباحث فرهنگ و هویت است. در این درس می‌خواهید که لسان‌ها براساس آگاهی، اراده و برای رسیدن به اهداف، عمل می‌کنند. آنها در ارتباط با همه فرهنگ‌های گوناگونی را پدید می‌آورند که براساس آرمان‌ها و ارزش‌هایی آن فرهنگ‌ها و همچنین ملاک‌ها و معیارهای فطری و حقیقی قابل نقد و ارزیابی هستند. سپس با ابعاد مختلف هویت فرد و جامعه آشنا می‌شوید. در انتها ابعاد فرهنگی، سیاسی، جمعیتی و اقتصادی هویت ایرانی را مطالعه و بررسی می‌کنید.

برای استفاده مطلوب از کتاب حاضر سعی کنید خوب بشنوید، خوب بخوانید، خوب بگویید، خوب بیاموزید و خوب بنویسید. برای کسب این شایستگی‌ها، بخش‌هایی مختلفی در کتاب گنجانده شده است.

❖ هر درس، مقدمه‌ای دارد. این مقدمه‌ها نشان می‌دهند که این درس به دنبال پاسخ به چه پرسش‌هایی است. پرسش‌های مطرح شده را با دقت بخوانید و با استفاده از دست‌ها و تجربه‌های خود به آنها پاسخ دهید. پس از مطالعه درس، پاسخ‌های اولیه خود را با پاسخ‌های کتاب مقایسه کنید.

■ در هر درس فعالیت‌هایی را عنوان می‌کنیم مانند «گفت‌وگو کنید»، «مقاله بنویسید»، «مطالعه کنید» و وجود دارد. این فعالیت‌ها را ضمن مطالعه درس و با نهایت و راحت‌مندی دیران محترم علوم اجتماعی انجام دهید تا بتوانید آموخته‌های خود را تحکیم و تثبیت کنید. پایه آنها عمق و وسعت بخشید و برداشت عمیق‌تر و وسیع‌تری از موضوع و مسئله مورد بررسی به دست آورید.

■ «محتوایم و بندهایم» را می‌آورد برای علاقه‌مند کردن شما به مطالعه بیشتر. چه خوب است به جای مراجعه به کتاب‌های کمک درسی غیر مفید از کتاب‌های غیر درسی مفید استفاده کنید تا در دستگاهها و تجربه‌های دانشمندان و اندیشمندان شریک شوید. «بیتیم و بندهایم» نیز چنین هدفی را دنبال می‌کند. فیلم‌های خوب هم می‌تواند مشغی مفید و مغز برای کسب دانش باشد.

■ تصویری، جدول‌ها و نمودارها بخشی از محتوای درس هستند و به شما در یادگیری مطالب و رسیدن به اهداف درس باری می‌رسند. از تأمل و دقت در آنها غفلت نکنید.

■ صفحه پایانی هر درس شامل سه بخش «مفاهیم کلیدی»، «خلاصه کنید» و «آنچه از این درس آموختیم» است. با تکمیل این صفحه می‌توانید مهارت‌های بسیاری کسب نمایید و توانایی‌های خود را ارتقا بخشید.

امید است که با استفاده از این کتاب به اهمیت مباحث مربوط به جهت و فرهنگ پی ببرید. نسبت به سرپرست هوشی جامعه خود احساس مسئولیت کنید و برای هویت‌یابی مطلوب خود و جامعه تلاش نمایید.

گروه علوم اجتماعی دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری



اهداف کتاب

انتظاری رود دانش آموز با مشارکت در موقعیت‌های یاددهی - یادگیری این کتاب، شایستگی‌های زیر را کسب نماید:

۱. به‌عملاندازی کنش‌آموزی بی‌سره، پهندهای احتمالی کنش‌ها را پیش‌بینی کند و اثرگذاری اعضای جامعه بر پدیده‌های اجتماعی و همچنین اثرپذیری آنها از این پدیده‌ها آگاهی یابد.
۲. مفاهیم جامعه و فرهنگ را بشناسد به تفاوت و تنوع جوامع و فرهنگ‌های بی‌سره و فرهنگ‌ها را بر اساس ملاک‌های صحیح، نقد و ارزیابی کند و نسبت به گسترش فرهنگ حقی و تحقیقی آرمان‌های آن احساس مسئولیت نماید.
۳. به عوامل مؤثر در شکل‌گیری هویت خود آگاه شود و برای هویت‌یابی مطلوب تلاش نماید.
۴. نقش جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی را در بازتولید هویت فرهنگی جامعه دریابد و فرصت‌ها و محدودیت‌های جوامع مختلف را برای تحرک اجتماعی و پیدایش هویت‌های جدید نقد و ارزیابی کند.
۵. علل درونی و بیرونی تحولات فرهنگی را بشناسد این تحولات را ارزیابی کند و خود را نسبت به سرانجام تحولات هویتی مسئول بداند.
۶. هویت ایرانی، اسلامی و انقلابی را افتخارآمیز بداند و برای تداوم و تقویت آن تلاش نماید.
۷. به اهمیت ابعاد فرهنگی، سیاسی، جمعیتی و اقتصادی هویت ایران بی‌سره و برای اصلاح و بهبود آنها راهکارهایی پیشنهاد کند.



درس اول کنش‌های ما



کنش ما انسان‌ها چه ویژگی‌هایی دارد؟

تمامی مخلوقات در جهان کاری انجام می‌دهند.

هر ژنده هسته اگر شباری است در پردهٔ معنیت به کاری است.

ماه به دور زمین می‌چرخد لبرها در آسمان حرکت می‌کنند آب در جویبار روان است. حرکت برگ و بار می‌دهد غلبه می‌تپد، خون در رگ‌های آدمی جریان دارد، کشاورز به کشت و زرع می‌پردازد و دانش‌آموز مطالب درسی را در ذهن مرور می‌کند. به نظر شما، فعالیت‌های انسان چه تفاوتی با فعالیت‌های مخلوقات دیگر دارد؟

ما پناه روی می‌کنیم، شادی می‌کنیم، غمناک می‌زنیم، درس می‌خوانیم، ورزش می‌کنیم، تلاش می‌کنیم، نماز می‌خوانیم و فعالیت‌های دیگری انجام می‌دهیم. هر زمان فارسی‌زبان فعالیت‌های انسان، اسم‌های گونه‌گونی مانند کار، عمل، فعل، رفتار، کردار و کنش وجود دارد و برای انجام‌دهندگان این فعالیت‌ها نیز اسم‌های مختلفی مانند کارگر، کارمند، کارگر، کارفرما و عاقل به کار می‌رود.

در علوم انسانی به فعالیت‌هایی که انسان انجام می‌دهد «کنش» و به انجام‌دهنده آن «کنشگر» می‌گویند.

کنش ویژگی‌هایی دارد که آن را از فعالیت سایر مخلوقات متمایز می‌کند. به نظر شما، این ویژگی‌ها کدامند؟

• وقتی برای اولین بار می‌خواهید از کالایی پیچیده مانند دوربین عکاسی یا تلفن همراه استفاده کنید، به دفترچه راهنمای آن مراجعه می‌کنید ولی پس از آن، دیگر سرزنی از دفترچه راهنما نمی‌گیرید؛ مگر اینکه مشکلی پیش بیاید. چرا؟
 کنش آگاهانه است؛ یعنی کنش وابسته به آگاهی آدمی است و بدون آگاهی انجام نمی‌شود. برای مثال، سخن گفتن یک کنش است. اگر ما آگاهی خود را نسبت به کلمات و معانی آنها از دست بدهیم، از گفتار باز می‌مانیم. از این رو فردی که از واژگان و دستور یک زبان آگاهی ندارد، نمی‌تواند با آن زبان سخن بگوید.

بخوابید و بدانیم

تا آگاهی نباشد کنشی صورت نمی‌گیرد. آیا کنش انسان‌ها همیشه بر اساس آگاهی صحیح صورت می‌گیرد؟ و آیا افراد در همه موارد به آگاهی موجود در کنش‌هایشان توجه دارند، و از آن با خبرند؟ در حکایت زیر تأمل کنید:

روزی شخص بزرگی که از تشنایان سلولط بود با هیجان نزد او آمد و جمله سلراط را می‌دانی درباره یکی از شاگردانت چه شنیده‌ام؟

— سلراط پاسخ داد: حفظی درنگ کن! آیا کلاماً منطقتی آنچه می‌خواهی به من بگویی حقیقت دارد؟

— نه فقط شنیده‌ام.

— سلراط گفت: پس واقعاً نمی‌دانی خیر درست است یا نادرست؟ آیا آنچه می‌خواهی در مورد شاگردم به من بگویی خبر خوبی است؟

— نه برعکس!

— پس می‌خواهی خبر بدی بگویی که از آن مطمئن نیستی؟ حالا بگو ببینم آنچه می‌خواهی به من بگویی برای من سوختند است؟

— آرد پاسخ داد: نه واقعاً!

— سلراط از این پرسش و پاسخ‌ها نتیجه گرفت و گفت: اگر می‌خواهی چیزی را به من بگویی که نه حقیقت دارد، نه خوب است و نه سوختند پس اصلاً چرا آن را به من می‌گویی!

• حتماً برای شما پیش آمده که در انجام کاری بر سر دیربازی قرار گرفته باشید. مثل اینکه پس از برگشت از بیمارستان، بهتر است ابتدا استراحت کنید و بعد تکالیف درسی خود را انجام دهید یا برعکس. قرار گرفتن بر سر دورانی، یکی از ویژگی‌های کنش را نشان می‌دهد. آن ویژگی کدام است؟
 کنش، ارادی است. کنش به اراده انسان وابسته است؛ یعنی تا اراده و خواست انسان نباشد، کنش انجام نمی‌شود. پس، برای انجام کنش علاوه بر آگاهی، اراده انسان نیز ضروری است؛ زیرا ممکن است فردی از کاری آگاه باشد اما تصمیم به انجام آن نگیرد.

کنش‌ها ممکن است با تشایق یا با اجراه یا حتی از روی اضطرار و بنا به ضرورتی انجام شوند اما در هر حال ارادی اند حتی فردی که از خطر می‌گریزد، یا اراده خود این کنش را انجام می‌دهد؛ او می‌توانست بماند، با خطر روبه‌رو شود یا...

آیا فعالیت‌هایی مانند ضربان قلب، گردش خون، بسته شدن ناخودآگاه چشم در مواجهه با خطر، کنش محسوب می‌شوند؟ چرا؟

• فردی از میان جمع برمی‌خیزد و پنجره‌ای را باز می‌کند اگر از او بپرسید چرا این کار را کردی چه می‌گوید؟

کنش، هدف‌دار است. پرسش «چرا چنین کاری کردی؟» را می‌توان از هر کنشگری پرسید؛ زیرا انسان فعالیت‌هایی خود را با قصد و هدف خاصی انجام می‌دهد، اگرچه ممکن است همیشه به آن هدف نرسد.

آیا انسان‌های مختلف از انجام کنش‌هایشان، هدف‌هایی یکسانی دارند؟
با توجه به این ویژگی‌ها، کنش انسان - برخلاف فعالیت سایر مخلوقات - «معنادار» است. انسان‌ها با توجه به معنای کنش خود، آن را انجام می‌دهند؛ مثلاً وقتی دانش‌آموزی در کلاس، دانش را بی‌الامی آورد، این کار را آگاهانه، ارادی و هدف‌دار انجام می‌دهد و معنای آن اجازه خویشتن از معلم است. معلم نیز در صورتی می‌تواند به او پاسخ مناسب بدهد که معنای کنش او را ببیند.



• انسان‌ها در انجام کنش به معنای آن توجه دارند.

گفت‌وگو کنید

• بوق زدن راننده، یک کنش است. درباره معنای مختلف آن با یکدیگر گفت‌وگو کنید.

• یک رسم رایج در منطقه یا محله زندگی خودتان را بیابید و درباره معنای آن گفت‌وگو کنید.

کنش ما چه آثار و پیامدهایی دارد؟

مدتی از شروع کنش سپری شده است. همه به درس توجه دارند. ناگهان دانش آموزی درمی زند و اجازه ورود می بخشد. کنش او چه تغییری در کلاس ایجاد می کند؟ درباره آثار و پیامدهای کنش او گفتگو کنید. آیا می توانید این پیامدها را دسته بندی کنید؟ به نظر شما شناخت آثار و پیامدهای کنش انسان چه اهمیتی دارد؟

هر کنشی آثار و پیامدهایی دارد. آیا پیامدهای کنش نیز همانند خود کنش، آگاهانه و ارادی اند؟ برخی از پیامدهای کنش به اراده انسان ها، یعنی خود کنشگر یا افراد دیگر، وابسته اند. به همین سبب به آنها «پیامدهای ارادی» می گویند. این دسته از پیامدها خوششان کنش هستند و باید کنشگری آنها را انجام دهد.

دانشجویی کتاب درسی خود را مطالعه می کند و در پی آن، اولاً به سؤالات امتحانی پاسخ می دهد؛ ثباً استاد، متناسب با تالان این دانشجویه او نمره می دهد. پاسخ دادن به سؤالات امتحانی و نمره دادن استاد، پیامدهای ارادی کنش مطالعه کردن است که اولی به اراده خود او و دومی به اراده دیگری وابسته است.

فردی سلام می کند، پاسخ دادن یا پاسخ ندادن او پیامد ارادی کنش او محسوب می شود که به اراده جواب دهنده سلام وابسته است.

اما همه پیامدهای کنش این گونه نیستند؛ یعنی به اراده انسان ها بستگی ندارند. به این پیامدها «پیامدهای غیرارادی» می گویند. این دسته از پیامدها، کنش نیستند که لازم باشد کنشگری آنها را انجام دهد بلکه نتیجه طبیعی کنش اند.

وقتی شما پنجره ها را باز می کنید، هوای کلاس عوض می شود. فردی که وضو می گیرد، دست و صورتش پاکیزه می شود!



پیامدهای کنش

ا- وضو به اثر دارد: طهارت جسم، تسلط روح و تقرب و نزدیکی به جنات و مشق (امام رضا علیه السلام)

پيامدهای غیرارادی کنش قطعی هستند؛ یعنی حتماً انجام می‌شوند ولی پیامدهای ارادی کنش احتمالی‌اند؛ یعنی ممکن است انجام بشوند یا نشوند. اگر فرد آنها را اراده کند، انجام می‌شوند و اگر آنها را نخواهد و اراده نکند، انجام نمی‌گیرند. معمولاً انسان‌ها کنش‌های خود را با توجه به پیامدهای ارادی و غیرارادی آنها انجام می‌دهند و از انجام برخی کنش‌ها، به دلیل پیامدهای نامطلوبشان، خودداری می‌کنند. چه خوب است که شما هم در کنش‌هایتان تأمل کنید و ببینید تا چه اندازه به این امر مهم توجه کرده‌اید.

خوابم و بدانم

قرودی با همسوار از رسول اکرم ﷺ پندتی خواست.
 پیامبر ﷺ به او فرمود: «اگر بگویم به کار می‌بندی؟»
 آن فرد پاسخ داد: «جمله یا رسول الله»
 پیامبر ﷺ سه بار همین سؤال را از او پرسید و از او قول گرفت و توجه او را به مطلبی که می‌خواست بگوید جلب کرد. سپس به او فرمود:
 «هرگاه تصمیم به کاری گرفتی، اول در نتیجه و عاقبت آن کار تأمل کن؛ اگر دیدی نتیجه و عاقبتش صحیح است، آن را دنبال کن و اگر دیدی عاقبتش گمراهی و تباهی است، از تصمیم خود صرف‌نظر کن.»
 لب این جوی به سرچشمه نمی‌گردد باز بهتر آن است که غلظت نکند از نظر

هم‌اندیشی کنید

- آیهٔ «خلفی در گروه فعل خویش است» (مجادل: ۲۸) را تحلیل کنید.
- پیامدهای ارادی و غیرارادی هر یک از کنش‌های زیر را مشخص کنید.

پیامدهای غیرارادی	پیامدهای ارادی		کنش
	وابسته به ارادهٔ دیگری	وابسته به ارادهٔ کنشگر	
تکلیف‌رسی	مورد تحسین و تشویق دیگران تکرار گرفتن	دانش جرحه‌ای و دین‌شکن جرحه‌ای شدن	بزرگ‌نویزی
اسیر و بی‌عاری	مورد تحقیر و بی‌ارزشی دیگران تکرار گرفتن	ترک آن یا معاند شدن به آن	سینگار و قبیله‌گرایی
			بخلت حیا
			کنترل چشم

مفاهیم انسانی

اصطلاحات و مفاهیم انسانی درس را در این قسمت بنویسید.

بخش

خلاصه کنید

یعنی در این قسمت، مفاهیم انسانی را تعریف کنید یا ارتباط آنها را مشخص کنید.

بخش

نجمه از این درس آموختیم

در این قسمت بی نظیر جملاتی را که در قسمت مطالعه کنید نوشته‌اند یا هم ترکیب کنید و در قالب یک بند بنویسید.

فرض کنید من خواننده مطالبی را که در این درس یاد گرفته‌اید به زبان و قلم خودتان به دیگران آموزش دهید. نوشته‌هایتان را در کلاس بخوانید یا راهنمایی دبیرتان. بهترین آنها را انتخاب کنید و یاد دگر آموختند. در کتاب خود بنویسید.

کنش‌ها انواعی دارند: برخی از آنها فردی و برخی اجتماعی اند. کنش اجتماعی نوعی کنش است که با توجه به دیگران انجام می‌شود. در کنش اجتماعی، اراده و آگاهی کنشگر با نظر به دیگران، ویژگی‌ها و اعمال آنهاست.

کنش اجتماعی فقط در حضور فیزیکی دیگران صورت نمی‌گیرد. وقتی راننده‌ای پشت چراغ قرمز می‌ایستد، مقرراتی را رعایت می‌کند که مورد قبول دیگران است. به همین سبب، کنش او اجتماعی است. رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی در نیمه‌شب و به دور از چشم دیگران



و حتی دوربین‌های مخفی نیز یک کنش اجتماعی است. به نظر شما کنش‌هایی که در حضور دیگران ولی بدون توجه به آنها انجام می‌گیرند، کنش اجتماعی‌اند؟ برای مثال، فردی که در کلاس درس حضور دارد ولی بی توجه به اطرافیان در ذهن خود ریاضیاتی خردستان را تحلیل می‌کند، کنشی اجتماعی انجام داده است؟

برخی کنش‌ها در حضور دیگران انجام نمی‌شوند اما اجتماعی‌اند. در مقابل، برخی کنش‌ها با اینکه در حضور دیگران انجام می‌شوند، فردی هستند.

بی‌توانیم و بداییم

من در میان جمع و علم‌جانی دیگران است

هرگز وجود حاکم را زین‌توانم

روزی ابوعلی سینا در خفاش نشسته بود و یکی از کتاب‌های فلاطون، تاشمند، یونان باستان را با لذت می‌خواند. او چند سال به دنبال این کتاب گشته بود تا سرانجام آن را به دست آورده بود و عجله داشت تا هرچه زودتر آن را مطالعه کند. هرچه بیشتر می‌خواند، لذت بیشتری می‌برد و کنج‌کاوی او برای خواندن، مایه‌ی کتاب بیشتر می‌شد. ناگهان در خانه باز شد و یکی از همسایگان وی قدم در خانه گذاشت و با دیدن ابوعلی سینا پرسید: همسایه عزیز چرا تنها نشسته‌ای؟ ابوعلی سینا که رشته افکارش پاره شده بود، آهی کشید و گفت: تنها نیستم، الان تنها شدم!

برای شناخت عمیق تر کنش اجتماعی، لازم است کمی بیشتر به واژه «دیگران» دقت کنید. دیگران، یعنی کسانی که کنشگران با توجه به آنها هست به کنش می زنند متفاوت اند در اینجا انواع مختلفی از دیگران ذکر شده است. تلاش کنید در رابطه با هر کدام، یک کنش اجتماعی



الطافار کشر مرکز شهید کبکی نظر به دیگران

مثال بزنید

غریبه / آشنا

گوست / گسین

کنشگران / معاضران / آئندگاران

مؤمن / کافر / عسقی

با این مثال ها، متوجه می شوید! کنشی که نظر به هر کدام از موارد بالا صورت می گیرد، آداب و قواعد خاصی می خواهد. آیا تاکنون فکر کرده اید که این آداب چگونه شکل می گیرند. چگونه دوام می آورند یا تغییر می کنند؟

می دانید که کنش های ما تنها در ارتباط با دیگران انجام نمی شوند. کنش های ما در ارتباط با خودمان، خلقت طبیعت و ماوراء طبیعت و خداوند متعال نیز صورت می گیرند. اگر چه انواع کنش ها از یکدیگر اثر می پذیرند

و بر یکدیگر اثر می گذارند و متناسب می شوند ولی هویت هر یک کدام از دست نمی رود.

برای آشنایی با آداب برقراری ارتباط با دیگران، می توانید به کتاب «ملاقات با خدا» اثر آیت الله جوادی آملی

مراجعه کنید.

پدیده های اجتماعی کدام اند و چگونه شکل می گیرند؟

به پدیده های اطرافتان توجه کنید. با کمک صبر خود تعدادی از آنها را روی تخته بنویسید. برخی از پدیده های که نوشتار است، اجتماعی اند. آیا می توانید آنها را مشخص کنید؟ چرا این پدیده ها را اجتماعی می دانید؟ به نظر شما، این پدیده ها چه ارتباطی با کنش اجتماعی دارند؟

بنکه، مسجد، پلیس، مدرسه، خانواده، گروه دوستان، نعلبها، هنجارها، ارزش ها و باورهای اجتماعی نمونه هایی از پدیده های اجتماعی هستند. به کنش اجتماعی و پیامدهای آن «پدیده اجتماعی» می گویند. کنش اجتماعی خردترین (کوچک ترین) پدیده اجتماعی است و سایر پدیده های اجتماعی آثار و پیامدهای آن هستند.

مثلاً فردی به تنهایی و با صدای دلخواه در انجمن مطالعه می‌کند. حال اگر فرد دیگری وارد اتاق شود، مطالعه او به یک کنش اجتماعی تبدیل می‌شود و پای ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را به میان می‌آورد. چنین فردی برای رعایت حقوق دیگری (تحقق یک ارزش) باید تا زمانی که او در اتاق حضور دارد، آرام مطالعه کند (پیدايش یک هنجار). هنجار اجتماعی، شیوه انجام کنش اجتماعی است که مورد قبول افراد جامعه قرار گرفته است؛ مثلاً در هر جامعه‌ای، احوالپرستی از دیگران شیوه‌های معینی دارد. ارزش‌های اجتماعی آن دسته از پدیده‌های مطلوب و خواستی هستند که مورد توجه و پذیرش شد و افراد یک جامعه، به آنها گرایش و تمایل دارند. اگر کنش اجتماعی نباشد، هیچ هنجاری شکل نمی‌گیرد و هیچ یک از ارزش‌های اجتماعی، مانند عدالت، امنیت، سعادت و آزادی، محقق نمی‌شوند. ارزش‌ها از جنس هدف و مقصود هستند و هنجارها از جنس وسیله و راه رسیدن به ارزش‌ها هستند.

ارزش (هدف)	هنجار (شیوه و روش)
نظم	وسایلمان را در جای مناسب بگذاریم.
ادب	به دیگران سلام کنیم و سلام دیگران را پاسخ دهیم.
صفت	حجاب داشته باشیم (حفظ حرم).
حجاب (حفظ حرم)	پوشش شرعی.
فردیت/آزادی	
تربیت	

ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی از طریق کنش‌های اجتماعی تحقق می‌یابند و پدیده‌های اجتماعی «جامعه‌پذیری» و «کنترل اجتماعی»^۱ را ضروری می‌سازند تا ارزش‌ها و هنجارها را از طریق تعلیم و تربیت، تشویق و تنبیه به افراد منتقل کنند. افراد نیز با عمل کردن بر اساس ارزش‌ها و هنجارها، موجب تداوم و استمرار آنها می‌شوند. تمامی پدیده‌های اجتماعی خرد (کوچک) و کلان (بزرگ)^۲ به همین طریق شکل می‌گیرند.

۱- با این پدیده‌ها در درس «تربیت آشنا می‌شوید.

۲- پدیده‌های اجتماعی را می‌توان بر اساس اندازه و دامنه از یکدیگر تمییز کرد. به این ترتیب می‌توان طبقی را در نظر گرفت که در یک سوی آن پدیده‌های اجتماعی خرد مانند کنش اجتماعی و در سوی دیگر آن پدیده‌های کلان مانند جامعه و فرهنگ قرار می‌گیرند.



■ بتایید ارزش‌ها و مهارت‌ها از طریق جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی به افراد منتقل می‌شوند.

پدیده‌های اجتماعی را انسان‌ها در ارتباط یا یکدیگر به وجود می‌آورند و چون افراد یا اجتماعی، اراده و هدف عمل می‌کنند، پدیده‌های اجتماعی «معنا دارند». پدیده‌های اجتماعی به مرور از انسان‌هایی که آنها را به وجود آورده‌اند، مستقل می‌شوند و فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را برای کنش‌ها و زندگی انسان‌ها ایجاد می‌کنند. این روند تا جایی ادامه پیدا می‌کند که افراد احساس می‌کنند «پدیده‌های اجتماعی» همانند «پدیده‌های طبیعی» هستند. در حالی که بی‌دقت پدیده‌های اجتماعی را انسان‌ها خلق می‌کنند و نتیجه کنش‌های افراد هستند، ولی پدیده‌های طبیعی را انسان‌ها خلق نکرده‌اند.

حیوانات و بدنیم

انسان‌ها پدیده‌های اجتماعی را برای رفع نیازها و تأمین سعادت خود پدید می‌آورند، ولی در مواردی خود این پدیده‌ها اصل قرار می‌گیرند و به جای اینکه در خدمت سعادت بشر باشند، انسان‌ها را به خدمت می‌گیرند؛ مثلاً مراسم عروسی، تقدیم و روش اعلان ازدواج و تشکیل خانواده است. ولی گاهی خود، جای هدف می‌نشیند و با شرایط سخت هزینه‌های سنگین و حاشیه‌های فراوانی که به همراه می‌آورد یکی از عوامل تأخیر ازدواج و مواعع تشکیل خانواده می‌گردد. شمار مورد سایر پدیده‌های اجتماعی مانند پول و تکنولوژی نامل کنید.

مقایسه کنید.

کود پدیده‌های طبیعی و ساختمان اداری، پدیده‌های اجتماعی است. با تقایس آنها تفاوت پدیده‌های طبیعی و اجتماعی را مشخص کنید.

معیار	کود	ساختمان اداری
نقش انسان در پیدایش آن		
مقتضای بودن		
مجبوس بودن		

از «هن» تا «ها»؟

به نظر شما از «هن بودن» تا «ها شدن» چقدر فاصله است؟ این مسیر، گامی ساده و سراسری است به نظر می‌آید و گامی دشوار و پیچیده‌ا خوب است بدانید که این پرسش، یکی از پرسش‌های مهم علوم اجتماعی است. از آن دسته پرسش‌هایی که جدا از پاسخی که به آن می‌دهیم، فهم خود پرسش، بسیار مهم است. برخی در پاسخ به چنین پرسش‌هایی عجله می‌کنند و از فهم عمیق پرسش باز می‌مانند. راستی شما در این مورد چگونه می‌اندیشید؟



آبی دریا به رنگ آسمان
 قطره‌ها به رنگ و از دریا چنگست
 قطره تنها چرا می‌رنگ ماند؟
 رنگ دریاها را آبی از چیست؟
 قطره تنها به دور از قطره‌ها
 با خود آهنگ جدایی می‌زند
 قطره‌هایی را که با هم می‌روند
 آسمان رنگ جدایی می‌زند
 این «هن و تو» حاصل تفریق است
 پس تو هم با من بیا تا ما شویم
 حاصل جمع تمام قطره‌ها
 می‌شود دریایا دریا شویم
 (شیرازین پیر)

سراسر زندگی اجتماعی می‌تواند زمینه پیوند انسان‌ها با یکدیگر و عبور از «هن و تو» و تشکیل «ها» باشد. «هن» ما درون «ها» حل نمی‌شوند و از بین نمی‌روند، بلکه «هن» ما با «ها» از دیواره تنگ و محدود خود فراتر می‌روند و بزرگ و بزرگوار می‌شوند. راستی «ها» ما نیز با هم تفاوت دارند. برخی از «ها» ما، در رشد بالندگی و تعالی انسان‌ها تأثیر بیشتری دارند. از این رو قرن‌ها که می‌فرمایند همواره در راه‌یابی و بهینه‌سازی تعاون کنید و هرگز در راه‌گناه و تعدی همکاری نکنید!

آموختید که کسب‌های ما انسان‌ها، آثار و پیامدهای فردی و اجتماعی دارند. این آثار و پیامدها می‌توانند کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت باشند. ازدواج و تشکیل خانواده یکی از زمینه‌های پیوند میان انسان‌ها و گذر از «هن» به «ها» است. اکنون در آثار و پیامدهای ازدواج، تشکیل خانواده و فرزندآوری تأمل کنید.

عزم هر فرد برای ازدواج و تشکیل خانواده و تصمیم هر خانواده برای داشتن فرزند، در شیوه زندگی خویشان و دیگران مؤثر است. مثلاً در خانواده‌هایی تک‌فرزند، نوع ارتباط محدود به ارتباط پدر و مادر و فرزند است. در این خانواده‌ها معمولاً کودکان در خلاء ارتباط با افراد هم‌سن و سال و

۱. و تعاونی غیر آبی و همچنین ولا نمودن غیر آبی و دشمنان اسیرمانند، آیه ۱۴

همچنان‌های خود را نمی‌آموزند. در غالب خانواده‌های تک‌فرزند والدین، هم انتظار بالایی از فرزند خود دارند و هم حمایت و پشتیبانی زیادی از او بعمل می‌آورند همین وضعیت می‌تواند کودک را متوقع و سخت‌گیر یا زودریخ و آسیب‌پذیر کند. در عوض در خانواده‌هایی که چندین فرزند دارند از تمرکز فراطبی والدین بر فرزندان کاسته می‌شود و پدر و مادر با درک تفاوت‌های کودکان خود، انتظاراتشان را تنظیم می‌کنند فرزندان نیز در تعامل با یکدیگر، ارتباط گرفتن با دیگران، تقسیم کار، تعاون و همکاری در انجام کارها رایج‌تر یاد می‌گیرند.



می‌دانید که گروه‌های کوچک مانند محله، روستا، شهر و... و گروه‌های بزرگ مانند جامعه، کشور و... با وجود فردگردها و مشارکت اجتماعی آنها، شکل می‌گیرند و دوام می‌آورند. با بروز نقصان و کاستی در تعداد افراد چنین گروه‌هایی، کمابیش زندگی و دوام آنها با تهدید روبه‌رو می‌گردد و در مقابل، با افزایش تعداد جمعیت یک قوم، فرهنگ و آیین، امکان تأثیرگذاری آن بر سایر



فرهنگ‌ها، نظام و آیین‌ها افزایش می‌یابد. به همین دلیل، در هر جامعه‌ای میزان گرایش افراد و خانواده‌ها به فرزندآوری، از نظر کثرتی و کیفیتی اهمیت فراوان دارد. در جامعه‌ای که اغلب خانواده‌های آن، چندفرزندی هستند، با تولد هر نوزاد، نیازهای او به‌عنوان یک عضو جامعه نیز طرح و پیگیری می‌شود. آیا همین پدیده نمی‌تواند زمینه پویایی و پایداری جامعه را فراهم کند؟ آیا تولد هر نوزاد، نمی‌تواند تولیدبخش تولد یک نفع و پیدایش ایده یا طرح و برنامه‌ای نو برای طبقه گسترده‌ای از انسان‌ها باشد؟

میزان و بداندیش

میزان تغییرات جمعیتی هر کشور از طریق محاسبه «میزان رشد طبیعی جمعیت» در بازه‌های زمانی معین، ارزیابی می‌شود. میزان رشد طبیعی جمعیت از دو عامل «تعداد تولد» و «تعداد مرگ و میر» و اختلاف بین آنها به‌دست می‌آید. اگر تعداد تولد به نسبت مرگ و میر، رقم بالایی باشد، رشد جمعیت مثبت است و اگر در زمان و مکان معین، مرگ و میر افراد در مقابل تولد

افزایش یابد، رشد جمعیت منفی خواهد بود. در حال حاضر در برخی کشورها، به ویژه کشورهای صنعتی، رشد جمعیت منفی است. در این کشورها، به دلیل عدم گرایش و تعایل خانواده‌ها به فرزندآوری، تعداد موالید در مقایسه با مرگ و میر، کمتر است.

در کنار این شاخص، شاخص دیگری با عنوان «رخ جایگزینی» وجود دارد. نرخ جایگزینی به این معنی است که هر زن در طول عمر خود چه تعداد فرزند به دنیا می‌آورد. جمعیت‌شناسان رقم جایگزینی را بین عدد $2/1$ تا $2/2$ تعیین می‌کنند. به عبارت دیگر، هر زن در طول عمر خود باید حداقل دو فرزند به دنیا بیاورد تا روند طبیعی جمعیت دچار اختلال نشود.

عدم پذیرش مسئولیت والدگری و محدود شدن آمد خانواده به خانواده بی‌فرزند یا تک‌فرزنده توسط اکثر افراد جامعه، پدیده «سالمندی جمعیت» را در پی خواهد داشت. شاخص سالمندی از افزایش نسبت سالمندان در جمعیت و به یقینی دیگر، کاهش نسبت افراد ۱۴- ساله و افزایش نسبت افراد ۶۰ یا ۶۵ سال و بالاتر خبر می‌دهد.

مطالعات نشان می‌دهد که جمعیت ایران ما به سوی سالمندی می‌رود. بر اساس نتایج یک پژوهش انجام شده در مرکز آمار، جمعیت ایران تا سال ۱۴۲۰ به حدود ۱۰۱ میلیون نفر خواهد رسید و طبق پیش‌بینی‌های منابع بین‌المللی، ساختار سنی جمعیت کشور ما در سال‌های بعد از ۱۴۲۰، از یک ساختار کاملاً جوان به یک ساختار سالخورده تبدیل خواهد شد. پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که سهم جمعیت ۶۵ ساله و بیشتر، تا سال ۱۴۲۰ به حدود ۲۲ درصد برسد. در واقع بیشترین سهم در هرم سنی جمعیت به این گروه اختصاص می‌یابد. اگر جمعیت بالای ۶۵ سال بیش از ۱۰ درصد جمعیت کلی کشور باشد، کشور پیر محسوب می‌شود. این پدیده، یک زنگ خطر بزرگ برای آینده سلامت!



پدیده‌های سن شدن جمعیت، تبعات فراوانی به همراه دارد. افزایش جمعیت سالمند کشور، افزایش هزینه‌ها را دربر دارد. این هزینه‌ها عمدتاً به هزینه‌های بهداشت و درمان مربوط می‌شود. در کشور برای ارائه خدمات و رفع نیازهای سالمندان، به اندازه کافی نیروی جوان وجود نخواهد داشت. در سطح فردی نیز فرزندان خانواده‌های تک‌فرزنده، ناچارند علاوه بر مسائل شخصی، به‌تنبهایی تعهدات فرزنددی، حمایت عاطفی و رسیدگی به مسائل والدین خود را انجام دهند. به نظر شما مسئله سالمندی جمعیت، برای کشور ما چاه تبعات دیگری دارد؟

کشورها در مواجهه با روند کاهش جمعیت برای حذران و ترمیم جمعیت خود، روش‌های مختلفی را در پیش می‌گیرند، با راهنمایی دبیر خود برخی از تجربه‌های کشورهای مختلف را در این رابطه مطالعه کنید و به کلاس گزارش دهید.

مقایسه رشد جمعیت در کشورهای مختلف			
نام کشور	نرخ رشد ۲۰۱۲	نرخ رشد ۲۰۱۹	مقدار افزایش
کانادا	+۰٫۷۶	+۱٫۲	+۰٫۴۴
سوئیس	+۰٫۷۸	+۱٫۰۶	+۰٫۲۸
روسیه	-۰٫۰۳	+۰٫۲	+۰٫۲۳
آمریکا	+۰٫۷۷	+۰٫۹۷	+۰٫۲
کره جنوبی	+۰٫۱۶	+۰٫۳۳	+۰٫۱۷
نمیبیا	+۰٫۵۴	+۰٫۷	+۰٫۱۶
ژاپن	-۰٫۱۲	-۰٫۰۲	+۰٫۱
فرانسه	+۰٫۴۵	+۰٫۵۶	+۰٫۱۱
آلمان	-۰٫۱۸	-۰٫۰۵	+۰٫۱۳
چین	+۰٫۴۴	+۰٫۵۱	+۰٫۰۷

ملاحظه می‌کنید که دو کشور ژاپن و آلمان از رشد منفی جمعیت برخوردارند. بر اساس آمارهای اعلام شده در بازه زمانی ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۱ جمعیت ژاپن با کاهش ۶۴۴ هزار نفری روبرو شده است و مهم‌ترین دلیل کاهش جمعیت در ژاپن، عدم تعادل زنان به قرون‌آزوری است. نرخ باروری در ژاپن از دهه ۱۹۷۰ میلادی به بعد کاهش یافته است، نرخ باروری در دهه ۲۰۰۰ میلادی به رقم ۱٫۲ درصد در ازای هر زن رسید، این رقم در ۲۰۰۵ میلادی به ۱٫۲۶ درصد رسید، در دهه ۲۰۱۰ میلادی به بعد نرخ باروری در ژاپن با افزایش اندکی روبرو شد و به رقم ۱٫۴ درصد رسید. میانگین سنی جمعیت ژاپن به ۴۸٫۴ سال رسیده و این کشور در ترمیم آسبابی اکنون بی‌ترین کشور جهان به‌شمار می‌رود. دولت ژاپن پیش‌بینی می‌کند که در افق ۲۰۶۰ تقریباً نیمی از جمعیت این کشور را افراد سالخورده تشکیل خواهند داد. از طرفی برآورده می‌شود که ظرف چهار دهه آینده جمعیت ژاپن که اکنون ۱۲۷ میلیون نفر است بیش از ۲۵ درصد کاهش خواهد یافت و در حدود ۸۸ میلیون نفر خواهد شد.

کلاس به کلاس

به بخش های اجتماعی و بهداشتی آن. پدیده اجتماعی
من گویند.

فصل چهارم: زندگی

پدیده اجتماعی.

آچه از این درس استفاده



درس سوم جامعه و فرهنگ (جهان اجتماعی) ۱



از جامعه و فرهنگ چه تصویری دارید؟

شما با دو واژه جامعه و فرهنگ آشنا هستید. هر گفت‌وگوها از آنها استفاده می‌کنید و معمولاً آنها را با هم به کار می‌برید. به نظر شما این واژه‌ها چه تفاوتی وجود دارد و چه نسبتی باهم دارند؟

وقتی به شهر جدیدی سفر می‌کنید، افرادی را می‌بینید که با یکدیگر زندگی می‌کنند. آخر مدتی در آن شهر بمانید و با آنها زندگی کنید. به تدریج با شیوه زندگی و چگونگی ارتباطات آنها آشنا می‌شوید. آنچه در نخستین برخورد مشاهده می‌کنید، جامعه و آنچه به تدریج می‌آموزید، فرهنگ است.

۱- جامعه و فرهنگ چنان یکدیگر نیستند. جامعه و فرهنگ را «جهان اجتماعی» می‌نامند. جامعه را می‌توان به منزله سخت‌افزار و فرهنگ را به منزله نرم‌افزار آن در نظر گرفت.

«جامعه» به گروهی از انسان‌ها گفته می‌شود که برای سلیمان متمایزی یا یکدیگر زندگی می‌کنند. «فرهنگ» شیوه زندگی گروهی از انسان‌هاست که با یکدیگر زندگی می‌کنند. خوراکی‌ها، پوشش‌ها، گویش‌ها، آداب و رسوم عروسی و عزاداری، آداب معاشرت، شیوه‌های گذران اوقات فراغت، شیوه‌های یاددهی و یادگیری، ارزش‌ها و باورهای اخلاقی، نگرش به عالی و آدم و... از مصادیق فرهنگ به شمار می‌آیند.

فرهنگ لایه‌ها و سطوح متفاوتی دارد؛ برخی از این لایه‌ها سطحی‌تر و بیرونی هستند مانند نمادها و هنرهای، ارزش‌ها و عقاید لایه‌های عمیق‌تر فرهنگ هستند. لایه‌های سطحی امکان تغییر بیشتری دارند. لایه‌های عمیق کمتر در معرض تغییر قرار می‌گیرند و تأثیرات همه‌جانبه و فراگیر دارند و کم‌مقایسه با هنرهای و نمادها اهمیت بیشتری دارند. به همین دلیل، تعبیرات انسانی در لایه‌های عمیق فرهنگ آن‌را به فرهنگ دیگری تبدیل می‌کند.



● آداب و رسوم بازی‌های محلی، صنایع دستی و جویزگی‌ها از مصادیق فرهنگ‌هاست.

جامعه بدون فرهنگ وجود ندارد. فرهنگ نیز بدون جامعه پدید نمی‌آید. جامعه و فرهنگ را می‌توان به جسم و جان انسان تشبیه کرد. جامعه مانند جسم و کالبد و فرهنگ همانند جان و روح است.

جوامع مختلف شیوه‌های متفاوتی برای زندگی دارند و دلیل تفاوت آنها این است که فرهنگ آموختنی است و از راه آموزش و تربیت از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. به همین دلیل فرهنگ را آگاهی و شناخت مشترک نیز می‌نامند.

در یک جامعه نیز شیوه زندگی مردم در همه مناطق یکسان نیست. همه ما ایران را کشور خود می‌دانیم؛ از حق و حقیقت دفاع می‌کنیم، راست‌گویی را اله می‌پنداریم، ظلم و بی عدالتی را بد می‌شماریم، احترام به بزرگان را لازم می‌دانیم و انسان‌های قداکار را تحسین می‌کنیم اما همه ما در سراسر کشور با گوشت و پنجه واحدی سخن نمی‌گوییم. مردم هر شهر، خصوصیات اخلاقی و رفتاری ویژه‌ای دارند و هنر صنف دارای ارزش‌ها، مقررات، دانش‌ها و مهارت‌های خلقی است.

آن بخش از فرهنگ که همه مردم یک جامعه در آن اشتراک دارند، «فرهنگ عمومی» و بخش‌هایی که مربوط به یک قوم، قشر، صنف یا گروه است، «فرهنگ گروهی» نامیده می‌شود.



بخشی از آداب و رسوم ازدواج و عروسی در میان تملکان مناطق جنوبی است. یکی مردم مناطق مختلف آذربایجان و سیسوم مخصوص به خود را نیز دارند.

خرده‌فرهنگ‌هایی که درون یک فرهنگ عمومی قرار دارند، اغلب با فرهنگ عمومی سازگارند. در مواردی ممکن است عقاید ارزش‌ها، هنرها و مهارت‌های درون یک خرده‌فرهنگ، ناسازگار و مخالف با فرهنگ عمومی باشد. در این صورت، این خرده‌فرهنگ را «صند فرهنگ» می‌نامند. خرده‌فرهنگ گروه‌هایی که انحراف اجتماعی دارند، مانند بزهکاران، سارقان و ضد فرهنگ

۱- فرهنگ از طریق وراثت (یعنی غایب) از نسلی به نسل دیگر منتقل نمی‌شود. هرگاه یک نسل بنیاد فرهنگ خود را حفظ کند یا نتواند آن را به نسل بعد منتقل سازد، جهان اجتماعی فرو می‌ریزد یا به جهان اجتماعی دیگری تبدیل می‌شود.

است. خرده‌فرهنگ‌های سازگار با فرهنگ عمومی را خرده‌فرهنگ موافق می‌گویند مثل خرده‌فرهنگ‌هایی مربوط به اصناف مختلف درون یک جامعه.



خرده‌فرهنگ‌های نظام و اصلاح و مختلفه‌اللب خرده‌فرهنگ مناطق و خرده‌فرهنگ ایالتی و محلی است.

گفت‌وگو کنید

- وقتی وارد جامعه‌ای می‌شوید، چگونه به مسلمان بودن یا مسلمان نبودن آنها پی می‌برید؟ از ویژگی‌های فرهنگ اسلامی چند مورد را نام ببرید.
- با دوستان خود درباره ویژگی‌های فرهنگ عمومی ایرانی - اسلامی و خرده‌فرهنگ‌های رایج درون این فرهنگ عمومی گفت‌وگو کنید.

پس‌نویس

مجموعه مستند «زای مهدی» آیین‌های ماه مبارک رمضان در مناطق مختلف ایران را معرفی می‌کند. با مشاهده هر قسمت از این مجموعه، با خرده‌فرهنگ‌های رایج در ماه رمضان در یکی از شهرها یا روستاهای ایران آشنا می‌شوید.

جامعه و فرهنگ (جهان اجتماعی) چه الزاماتی دارد؟

آموختیم که انسان‌ها با آگاهی و اراده خود به کنش اجتماعی می‌پردازند و با همین کنش‌ها در ساختن جامعه و فرهنگ و تلاطم آن مشارکت می‌کنند. اما آیا این بدان معناست که ما همواره می‌توانیم هر طور که بخواهیم جهان اجتماعی (جامعه و فرهنگ) را بسازیم یا تغییر دهیم یا اینکه جامعه و فرهنگ پس از آنکه پدید آمد الزاماتی دارد که بر کنش‌های ما تأثیر می‌گذارد؟

یکی از جامعه‌شناسان (اگوست کنت) معتقد است که مفهوم مردمان در ساختن جامعه بیشتر از سهم زندگانی است؛ یعنی سهم پیشینیان ما در ساختن جامعه، بیشتر از ما بوده است. هرچنان که سهم ما در ساختن جامعه و فرهنگ آیندگان، بیش از آیندگان است. شما در این باره چه فکری کنید؟

ما انسان‌ها در جامعه و فرهنگی دیده می‌کشاییم که توسط گذشتگان ما پدید آمده است. جامعه‌ای که باورها، ارزش‌ها، سناریوها و نمادهای آن شکل گرفته‌اند و به فعالیت‌های اجتماعی ما شکلی می‌دهند. اما هر یک از ما صرفاً کنشگری منفعل و مجبور نیستیم بلکه می‌توانیم یا در جهت ندایم، هم‌تراش و پیشرفت این جهان اجتماعی حرکت کنیم یا در مسیر حرکت به سوی جهان اجتماعی جدیدی گام برداریم.



تا زمانی که هر جامعه و فرهنگی از طریق مشارکت اجتماعی افراد پذیرجاست، الزامات آن نیز باقی است. اگر جامعه و فرهنگ موجود تغییر کند و در پی آن الزامها و پیامدهایش برداشته شود، جامعه و فرهنگ جدیدی شکل می‌گیرد که الزامها و پیامدهای دیگری به دنبال می‌آورد. الزامها و پیامدهای هر جامعه و فرهنگی به صورت فرصتها و محدودیتها ظاهر می‌شوند. این فرصتها و محدودیتها، کنش‌های ما را امکان‌پذیر می‌سازند و از این طریق زندگی ما را متأثر می‌سازند.

فرصتها و محدودیتها به یکدیگر وابسته‌اند و هیچ‌کدام بدون دیگری محقق نمی‌شوند. به عبارت دقیق‌تر، فرصتها و محدودیتها دو روی یک سکه‌اند.

هر ختلهای نشانی دارد که یک معمار، آن را در قالب در و دیوار بنا می‌کند بدون این اجزاء هیچ نقشه‌ای بر روی زمین تبدیل به خانه واقعی نمی‌شود. آیا یک خانه می‌تواند تنها از در، یا تنها از دیوار ساخته شده باشد؟ اگر صرفاً از دیوار ساخته شده باشد ورود و خروج به آن غیرممکن می‌شود و اگر همه‌اش در و پنجره باشد امنیت و آرامش اهل خانه را تضمین نمی‌کند. درها و دیوارها را فرصت‌ها و محدودیت‌های خانه قرض‌کننده هیچ ختله‌ای بدون این فرصت‌ها و محدودیت‌ها ممکن نمی‌شود. جهان اجتماعی نیز در قالب فرصت‌ها و محدودیت‌ها تحقق می‌یابد.

قولین راهنمایی و رفتگی را در نظر بگیرید. این قواعد را انسان‌ها وضع می‌کنند. اجرای این مقررات برای رانندگان و عابران محدودیت‌هایی پدید می‌آورد ولی با وجود این محدودیت‌ها عمل کردن به آنها فرصت رفت و آمد ایمن و سریع را نیز به دنبال دارد.

به زبانی که مردم یک جامعه یا آن صحبت می‌کنند توجه کنید. زبان، دستور و قواعد پیچیده‌ای دارد. مردمی که با آن سخن می‌گویند باید قواعدش را بیاموزند و در چارچوب آن حرفه بزنند. آنها نمی‌توانند هرگونه که دلشان بخواهد صداها، حرف‌ها، کلمات و جملات را به کار ببرند یا این‌حال همین محدودیت‌ها فرصت ارتباط یا همین‌نشان و مبادله معانی پیچیده را فراهم می‌آورد. جوامع مختلف را می‌توان بر اساس آرمان‌ها و ارزش‌های آنها و نیز فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که به دنبال می‌آورند ارزیابی کرد.

برخی از جوامع بر اساس عقاید و ارزش‌هایشان استعدادهایی معنوی انسان را نادیده می‌گیرند و با فرصت شکوفایی فطرت انسانی را فراهم نمی‌آورند. برخی دیگر، مانع بسط ابعاد دنیوی وجود انسان می‌شوند و نسبت به نیازهای مادی و دنیوی انسان بی‌توجه‌اند و با رویکرد دنیاگریز خود، از توانمندی‌های انسانی برای آباد کردن این جهان استفاده نمی‌کنند.

فرهنگ‌ها به دو نوع دنیوی و معنوی تقسیم می‌شوند.

● به فرهنگ دنیوی فرهنگ سکولار نیز می‌گویند و منظور از آن، فرهنگی است که عقاید و ارزش‌های آن، مربوط به همین جهان است. در این فرهنگ جهان دیگر انکاری می‌شود یا در محدوده‌هایی که برای خواسته‌های این جهانی بشر دارد، پذیرفته می‌شود. فرهنگ دنیوی همه ظرفیت‌ها و استعدادهای انسان را در خدمت دنیا به کار می‌گیرد و ظرفیت‌ها و خواسته‌های معنوی انسان‌ها را به فراموشی می‌سیازد.

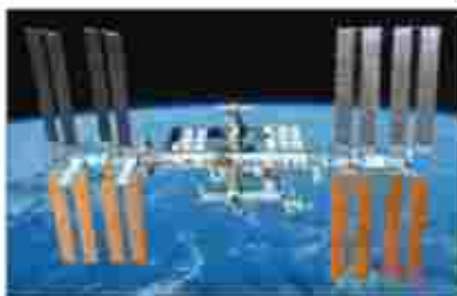
● فرهنگ معنوی، هستی را فراتر از طبیعت می‌بیند و زندگی این جهان را در سایهٔ حیاتِ بی‌تَو، مطلق و مطلق می‌گرداند. تسان در این فرهنگ از محدودیت‌های این جهان عبور کرده، چهاره‌ای آسمانی و ملکوتی پیدای می‌کند.

فرهنگ معنوی دو نوع توحیدی و اساطیری دارد. فرهنگ اسلام و انبیای الهی که تفسیری توحیدی و الهی از انسان ارائه می‌دهند، فرهنگ توحیدی است. اما فرهنگ اساطیری، به خداوندگاران و قدرت‌های قوی طبیعی قائل است و محصول انحراف بشر از فرهنگ توحیدی است.

اروهنگ جدید غرباً فرهنگی دنیوی است. در این فرهنگ، آدمیان در جهت برخورداری از زندگی دنیوی و تسلط بر این عالم گام برمی‌دارند و دارای اهداف دنیوی هستند و برای رسیدن به این اهداف از علوم تجربی استفاده می‌کنند.



● فیلم سینمایی «صنعت جدید» تألیف مردم از وضعیت انحصاری در دورهٔ رکود بزرگ و همچنین، گرفتار شدن آنها در رویه‌های دنیوی شدن را به تصویر می‌کشد.



● ایستگاه فضایی بین‌المللی، فضایی برای کار، پژوهش و زندگی فضانوردان در مدار نزدیک زمین است. گسترش فناوری از فرسودگی فرهنگ غرب است.

گفت‌وگو کنید

با راهنمایی دبیر خود، دربارهٔ دو فرهنگ متفاوت و فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که برای بشریت به همراه داشته‌اند، گفت‌وگو کنید.

● فرهنگ دنیوی غرب را جهان متجدد، یا جهان مدرن غیر متن شدد و منظور از آن، غرب پس از رنسانس یعنی غرب چهارصد سال اخیر می‌باشد.

عبدالرحمن انسی

قرتگہ

خلاصہ کنندہ

نقرتگہ، روح و جان یک جملہ است۔

آج سے ازل سے درین آسودہ ختمیم



درس چهارم ارزیابی فرهنگ‌ها



منظور از فرهنگ آرمانی و فرهنگ واقعی چیست؟

هر صفتی که در یک جامعه زندگی می‌کنند، اعتقاد، آرمان‌ها و ارزش‌های مشترکی دارند. اهدافی مانند رفع نیازهای اولیه، آزادی، عدالت، امنیت، عزت و پیشرفت، دفاع از مظلومان و... وقتی مردم مطابق آرمان‌ها عمل کنند، آرمان‌ها به واقعیت تبدیل می‌شوند. آیا مردم عدول مطابق آرمان‌های جامعه خود عمل می‌کنند؟

انسان‌ها اغلب خدمت به ممنوعین، رعایت مقررات، احترام به پدر و مادر، راستگویی و امانت‌داری را خوب و پستیده می‌دانند و خیانت، دروغ‌گویی، ظلم، رشوه و دزدی را ناپسند و ناروا می‌شمارند به نظر شما آیا مردم همواره مطابق آنچه خوب می‌دانند عمل می‌کنند یا گاهی برخی رفتارهایشان برخلاف ارزش‌ها و هنجارهایی است که از آنها طرف‌داری می‌کنند؟ ارزش‌هایی که مردم یک جامعه از آن جنب‌داری می‌کنند و رعایت آن را لازم می‌دانند اما در عمل ممکن است آن را نادیده بگیرند، «فرهنگ آرمانی» نامیده می‌شود آن بخش از فرهنگ که مردم به آن عمل می‌کنند «فرهنگ واقعی» نام دارد.

مرز و محدوده فرهنگ آرمانی و فرهنگ واقعی بر اساس عمل مردم تغییر می‌کند. هر اندازه مردم مطابق آرمان‌ها و ارزش‌ها عمل کنند، به همان اندازه آرمان‌ها وارد فرهنگ واقعی می‌شوند اما اگر مردم به آرمان‌ها و ارزش‌هایی که رعایت آنها در فرهنگ آرمانی لازم دانسته می‌شود عمل نکنند، فرهنگ واقعی از فرهنگ آرمانی فاصله می‌گیرد.



شهادت‌پرهیز مزارق اعلمو شهروند و از روستای گاج
عائل شهادت شهید رسول خدیوی اویج شهید
مقامت ۴۰ روزها خرمشهر و خرمشهر جعفر
از پی در پیس و خرمشهر سال ۷۲
مسجد جامع خرمشهر



برنامه‌ریزان فرهنگی در هر جامعه تلاش می‌کنند که از طریق تعلیم و تربیت، زمینه تحقق هر چه بیشتر فرهنگ آرمانی و ورود آن به قلمرو فرهنگ واقعی را فراهم کنند.



۱- آرمان‌ها و قلمرو ارزش‌ها همان نظام معیار فرهنگ است، که بسیاری کم و بیش به آن عمل می‌کنند و برخی هو آن را برکات نمی‌کنند.

از درس اول به یاد دارید که سخن گفتن یک کنش است ولی برخی سخنانشان را جزء افعالشان به حساب نمی‌آورند. از این رویه بی‌بافت‌های آن توجه نمی‌کنند و به جای آنکه متعهد شوند، تنها وعده می‌دهند.

این افراد ممکن است از آرمان‌ها و ارزش‌ها سخن بگویند ولی در عمل به آنها پایبند نباشند. قرآن کریم به این افراد این‌گونه خطاب می‌کند: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا سخنی می‌گویید که به آن عمل نمی‌کنید؟ نزد خدا بسی ناپسند است سخنی بگویید که به آن عمل نمی‌کنید. خداوند کسانی را دوست می‌دارد که در صفتی واحد، عقائد سستی مستحکم، در راه او قیام می‌کنند» (سوره ۲ و ۱۲).

نمونه بی‌آورد

در جدول زیر، سه نمونه از آرمان‌های جامعه خود را بنویسید که کمابیش بیرون از فرهنگ واقعی یا درون آن قرار گرفته‌اند.

آرمان‌ها	
بیرون از فرهنگ واقعی	درون فرهنگ واقعی
ساده‌زیستی	احترام به پدر و مادر
نابیند بودن اسراف و تبذیر	استکبارستیزی

منظور از فرهنگ حق و فرهنگ باطل چیست؟

واقعیت‌های هر جامعه را نمی‌توان بر اساس آرمان‌های آن ارزیابی کرد؛ اگر مردمی مطابق آرمان‌های خود عمل کنند، جامعه حیان فرهنگ واقعی و آرمانی جامعه خود را کاهش می‌دهند ولی آیا همه آرمان‌ها و ارزش‌ها درست‌اند تا واقعیت را بر اساس آنها ارزیابی کنیم؟ آیا واقعی برای ارزیابی آرمان‌ها و ارزش‌ها وجود دارد؟ آیا آرمان‌ها و ارزش‌ها همواره حق‌اند؟ یا ممکن است برخی از آنها باطل باشند؟

عقایدی که مردم درباره انسان و جهان دارند، ارزش‌هایی که محترم می‌شمارند، بدخارها و سنت‌هایی که با توجه به آنها عمل می‌کنند، سبک‌ها و شیوه‌هایی که برای زندگی انتخاب می‌کنند و تکنیک‌ها و مهارت‌هایی که به کار می‌گیرند، گلهی درست و گلهی نادرست‌اند.

بخش‌هایی از فرهنگ که از نظر علمی صحیح و مطابق عادت انسان باشد «فرهنگ حق» و بخش‌هایی که از نظر علمی قابل دفاع نباشد و بر اساس خرافات شکل گرفته باشد، «فرهنگ باطل» است.



■ راهبان بودایی تبتی در مراسم اخراج ارواح شیطنی از معدنی که هر سال هزاران با جشن سال نوی بزمزار می‌شود.



■ تکلیس خرافات از عقاید هندوستان.

عقیده به توحید، وفای به عهد، عدالت، تحمل دیگران و مدارا با کسانی که از شناخت حقیقت محروم مانده‌اند، حمایت از مستضعفان و مظلومان، دفاع از حقوق انسان‌ها و مهربانی با یکدیگر از جمله عقاید و ارزش‌های حق‌الد است. شرک، ظلم، بی‌عدالتی، تجاوز به حقوق دیگران و دیباپرستی از جمله عقاید و ارزش‌های باطل‌اند. آیا می‌توانید نمونه‌های دیگری از عقاید و ارزش‌های حق و باطل را بیان کنید؟



حقی یا باطل بودن هر بخش از فرهنگ، با علم مشابه با همان بخش شناخته می‌شود. علوم تجربی توان دایره‌ی دربارۀ قانون و روش‌های اجرایی را دارند؛ مثلاً درست یا نادرست بودن شیوه‌ی مداوای بیماران را با روش‌های تجربی می‌توان شناخت. حقی یا باطل بودن عقاید و ارزش‌ها را نمی‌توان با روش‌ها و علوم تجربی شناخت. عقل و وحی دو ابزار مهم شناخت عقاید و ارزش‌ها هستند و علوم می‌تواند از این دو ابزار بهره‌ی می‌گیرند. می‌تواند درباره‌ی حقی یا باطل بودن فرهنگ‌های مختلف دایره‌ی کند.

در جهان هستی موجودات و پدیده‌های مختلفی وجود دارد که هر کدام با روش‌های خاص خود شناخته می‌شوند. انسان امور ذهنی مانند پدیده‌های طبیعی را از راه مشاهده و حس می‌شناسد. اما امور غیرطبیعی، مخصوصاً آنکه نمی‌توان آنها را به کمک حواس شناختن کرد؛ از این روش‌های علمی، عقاید و روش‌های فقهی فلسفی راه به کمک عقل و آراء است. لای عقلی می‌شناسد. انسان علاوه بر شناخت حسی تجربی و شناخت عقلی، از شناخت شیوه‌ی نیز بهره‌ی می‌برد. شناخت شیوه‌ی آراء مشاهده‌ی حسی و استدلال عقلی به دست نمی‌آید. مثلاً ما در مشاهده و استدلال به علم و دانش روح خود یا معرفت و قدرت نیست به نتایجی می‌رسیم. شناخت شیوه‌ی انواع و مراتب دارد. بعضی نوع خاصی از شناخت شیوه‌ی است که خداوند برای هدایت انسان به یاسرآن نظر کرده است. بعضی الهی انسان را به استفاده از عقل فرا می‌خواند و به حس کند به عنوان یکی از ابزارهای شناخت توجه می‌کند.

علوم انسانی علاوه بر روش‌های تجربی و عقلی و روش‌های شناخت فقهی و فروع انسانی و تاریخی بهره‌ی می‌برد. الهی پدیده‌های انسانی و اجتماعی معاصر، از راه عقاید و معرفت و وجود دارد. الهی الهی پدیده‌های انسانی و اجتماعی به محسوس و حسی ندارد تا صرفاً با روش حسی و تجربی شناخته شوند. از این رو این علوم وقتی از آثار و احکام زندگی انسان با ارزش‌ها و آراء‌های او مانند عدالت، مسئولیت، آزادی و سخن می‌گویند، از روش‌های عقلی و وحیانی بهره‌ی می‌برند.

در اوایل قرن بیستم روش‌های علمی در جهان غرب پیدا شدند که روش حسی و تجربی را تغییر دادند. علم دانشمند و گفتند همه علوم باید از یک روش علمی پیش‌گیری استفاده کنند. آنها با این ادعا به تدریج به این برداشت رسیدند که فقط علوم تجربی، علم است. آن‌ها سایر علوم مانند فقه، اخلاق و علوم دینی را غیرعلمی دانستند و علوم انسانی و اجتماعی را فقط فرضیاتی که از روش تجربی استفاده کنند علمی تلقی کردند. این رویکرد ارزشمند بود، چون بسته به روش‌های متعددی مواجه شد و گوید در معارف علمی از روش‌های یکی از روش‌ها، علم واقعی بود علمی که قرار از مشاهده و تجربه است و اگر تجربه ما بر خلاف اصول تجربه، آن باشد، ما تجربه خودمان را نادرست می‌دانیم. نه آنچه علم واقعی می‌گوید. مثلاً هزار نفر با نگاه روش‌های داخلی انسانی را تغییر بخورند و مجموع رؤیا با ۲۲۱ تجربه تحلیل کنند، نظر همه آنها را مطلقاً دانستند.

مقایسه فواید علوم انسانی و اجتماعی و علوم طبیعی

فواید علوم طبیعی	فواید علوم انسانی و اجتماعی
<ul style="list-style-type: none"> • شناخت طبیعت و قوانین آن • پیش‌بینی حوادث طبیعی برای پیشگیری و تسکین طبعیت • بهداشتی انسان از دیدگاه طبیعی 	<ul style="list-style-type: none"> • شناخت و فهم عمیق‌تر کشف‌های انسانی و بینش‌های آن • شناسایی عواملی که بر زندگی انسان و کشف‌های او تأثیر دارند؛ پیش‌بینی کشف‌ها و بینش‌های آنها برای پیشگیری • شناخت قضایای عدالت، امنیت و راه صحیح زندگی و دایره‌ی بسیار کشف‌های خوب و بد انسان‌ها • استفاده از کشف‌های انسانیت و خفاخانه انسان‌ها • همکاری و آشناسازی انسان‌ها از جمله‌ی و آشناسازی که عزت‌الکرامت‌های انسان‌ها پدید می‌آید • نشان دادن شیوه‌ی صحیح استفاده از علوم طبیعی و دانش‌های کاربردی

غریبی‌ها در مراسم تشییع جنازه نزدیکشان لشک نعی روزگ انبوه خود را پنهان می‌کنند و اگر گریه‌شان بگیرد، دور از چشم دیگران گریه می‌کنند، اما مراسم را بشکوه برگزار می‌کنند، عراده را در تابوتی گران‌بها می‌گذارند، لباس های رسمی به او می‌پوشانند و دفنش می‌کنند. برعکس ایرانی‌ها در مراسم سوگواری بسیار گریه می‌کنند و ابتدا جزن و اندوه خود را پنهان نمی‌کنند و مرده را بدون لباس‌های فاخر به خاک می‌سپارند.

غریبی‌ها خیلی سرحل و بی‌احساس‌اند یا ایرانی‌ها بیش از حد ضعیف و احساساتی هستند؟ گاهی ما سایر فرهنگ‌ها را در مقایسه با فرهنگ خودمان ارزیابی می‌کنیم. جامعه‌شناسان این کار را اشتباه می‌دانند. به نظر آنها هر رسم و سنتی درون فرهنگ خود، معنا و کارکردی دارد؛ بنابراین، درست و غلطی نیست که ما فرهنگ دیگران را با توجه به فرهنگ خودمان نقد و ارزیابی کنیم. نظر جامعه‌شناسان تا اینجا صحیح است. اینکه ما بگوییم غریبی‌ها سرحل و بی‌احساس‌اند چون در مراسم سوگواری گریه نمی‌کنند یا آنها بگویند که ایرانی‌ها ضعیف و احساساتی‌اند چون بسیار برای مردگان خود می‌گریزند، هیچ کدام قضاوت‌های سطحی نیستند اما نباید توجه داشته باشیم که این بدان معنا نیست که امکان مقایسه و ارزیابی فرهنگ‌ها و تئوری‌های علمی و عقلانی درباره آنها وجود ندارد. ما می‌توانیم فرهنگ خودمان و فرهنگ‌های دیگر را بر اساس فرهنگ حق ارزیابی کنیم و میزان نزدیکی هر فرهنگی به فرهنگ حق یا دوری از آن را مشخص نماییم.

برای مثال، اگر برخوردی در فرهنگی پذیرفته و متداول است، ما به عنوان یک فرد بیرونی می‌توانیم تشریحاتی آن را گوشزد کنیم. اگر ضرب و شتم، فحاشی و تحقیر در مراسم عزروسی از رسوم رایج در جامعه‌ای باشد، ما می‌توانیم درباره آن نادرست بودن آن اظهار نظر نماییم. اگر جامعه‌ای عدالت را از یاد برده و به بی‌عدالتی علاقت کرده باشد، می‌توانیم ناپسند بودن این سبک زندگی را دریابیم. نقد کنیم و خطرات آن را متذکر شویم و...

فرهنگ حق معیار ارزیابی همه فرهنگ‌هاست.



■ در جشن هالووین، حیاط برخی خانه‌ها و مکان‌های عمومی با پیگه‌ها و بالین‌های ترسناک مانند جادوگر، اسکلت، روح یا سنگ قبر تزئین می‌شود.



■ سیاه‌گوش‌ها عروس و داماد پیش از عزروسی در روستاهای اسکلت‌نم اجزا می‌سازند. در آن رسم بستگان و بیگانان، چیزهایی را که با آنها بی‌تجان عروس و داماد را تشییع کنید به طرفتشان برتاب می‌کنند.

برخی حتی با باطل بودن پدیده‌ها را به خواست و عمل افراد در موقعیت‌ها، زمان‌ها و مکان‌های مختلف وابسته می‌دانند. آیا به راستی حق و باطل بودن پدیده‌ها به تمایلات افراد وابسته است؟ آیا در زمان‌ها و مکان‌های مختلف جابه‌جا و دچار تغییر می‌شوند؟

می‌دانیم فرهنگ آرمانی و فرهنگ واقعی هر جامعه‌ای تغییر می‌کند (مثلاً استقلال سیاسی در ایران پیش از انقلاب اسلامی یک آرمان بود که با انقلاب اسلامی به یک واقعیت تبدیل شد) و همچنین از یک جامعه به جامعه‌ای دیگر متفاوت است. آیا حق و باطل نیز این گونه هستند؟ حق یا باطل بودن عقاید، ارزش‌ها، هنج‌ها و کنش‌ها، بر اساس آگاهی یا جهل و توجه یا بی‌توجهی مردم جوامع مختلف نسبت به آنها تعیین نمی‌شود.

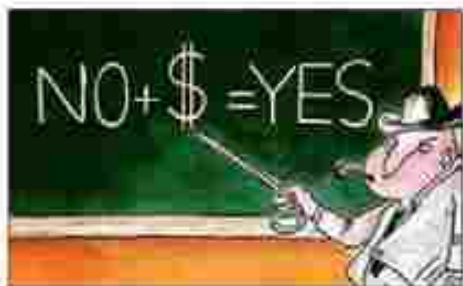
توانمندی و برتر دانستن یک قوم یا گروه خاص، پول پرستی و شرک از عقاید و ارزش‌های باطل اند و باطل بودن آنها با نوع مزاجیه جوامع مختلف، دگرگون نمی‌شود.



● بر مجاری سلطه‌گر چنان استقلال العزیز در طول ۳۳ سال استعمار فرانسه بر روی‌باشی به استقلال جدید یک میلیون گریبی داد که هیچ دلیل به سیرت یک میلیون شهید شهت دارد.



● جوانان سیاه پوست به طور متوسط بیش از سفیدپوستان خود توسط پلیس در خیابان‌های لندن متوقف و مورد زیر و زود قرار می‌گیرند.



● دیوار خالی بتونی در کرانه باختری و کشش‌هایی که توسط فلسطینیان در روز پنج‌شنبه کشیده شده است. اسرائیل ساحت بین دیوار را در سال ۲۰۰۴ آغاز کرده است.

توحید آزادی انسان‌ها از همهٔ بندها و موثقی که بر سر راه سعادت آنها وجود دارد، عدالت و ایجاد شرایط مناسب برای رشد و تعالی همهٔ انسان‌ها، از عقاید و ارزش‌های حق‌اند و درستی آنها با موافقت یا مخالفت آدمیان تغییر نمی‌کند.

جوامع مختلف با ایمان به حق، حقیقت را به فرهنگ آرمانی خود وارد می‌کنند و با عمل کردن بر اساس این عقاید و ارزش‌ها، آنها را به فرهنگ واقعی‌شان وارد می‌نمایند. اگر جوامع مختلف به حق ایمان نیاورند و مطابق با آن عمل نکنند به سوی باطل گام برمی‌دارند.

بنابراین، حقایق ثابت‌اند ولی از جهت وارد شدن به فرهنگ آرمانی و واقعی، تغییر پذیرند؛ یعنی برای جوامع امکان انحراف از حق و پذیرش باطل وجود دارد. همان‌گونه که امکان خروج از باطل و روی آوردن به حق نیز وجود دارد. جوامع می‌توانند بر مدار حق یا باطل بچرخند. اما حق و باطل بر مدار گزینش آنها تغییر نمی‌کنند.

نمونهٔ یادگیری

- سه نمونه از آرمان‌های حق را که در اغلب یا همهٔ فرهنگ‌ها حضور دارند، نام ببرید. به نظر شما به چه دلیل این آرمان‌ها در اکثر فرهنگ‌ها حضور دارند؟

آرمان حق				
_____	_____	_____	رستگویی	وفای به عهد

- آیا می‌توانید برخی پدیده‌های باطلی را که در لغزو آرمانی و واقعی بشری فرهنگ‌ها وجود دارد، شناسایی کنید؟

_____	_____	قیله‌گرایی	تکثر (مال‌اندوزی)
-------	-------	------------	-------------------

علماء و اندلس

فرهنگ حق

خلافتنامه گنبد

دوره‌نگ حق: معیار از زبان همه فرهنگ‌هاست

آنچه از این درس آموختیم



هویت

درس پنجم

در مورد هویت چه می دانید؟

فائل است کہ ملاصرالدين مي خواست به شهر غريبي سفر کند. همسر ملايش از سفر، کويي پر گرزش آويخت که نامش بر آن نوشته شده بود. ملاها هويتش را فراموش کنند. ملا پس از ورود به آن شهر، شب بخست در يک کاروانسرا بيتوته کرد. خواب که بود، شوخي آويز را از گرزش در آورده و به گرمن خود آويخت. صبح روز بعد، ملا پس از خيستن آويز در گرمن آن شوخ فرياد زد: «چنين مي نمايد که تو من هستي، ولي اگر تو من هستي، پس من کيست؟»

شايد اين سرده رکعي فلامسخره به نظر آيد ولي بز مهمترين مسئله بشري اشاره مي کند که همان هويت است.

(الرهنگ و هويت، چارلز کيتینگ)

افراد در موقعیت‌های گوناگون با پرسش «کیستی؟» مواجه می‌شوند، یا از خودشان می‌پرسند: «عراستی من کیستم؟» آنها در پاسخ به این پرسش خودشان را معرفی می‌کنند و ممکن است در معرفی خود به ویژگی‌هایی از این قبیل اشاره کنند: نوجوان، متولد هشتم آبان ۸۳، مومن، گندمگون، ورزشکار، وقت‌شناس، صبور، راستگو، ایرانی و... آنچه در پاسخ به پرسش کیستی گفته می‌شود و با آن هر شخص از افراد دیگر متمایز می‌گردد، «هویت» فرد را تشکیل می‌دهد.

آیا هویت‌مان را خودمان می‌سازیم؟ ما در شکل‌گیری بعضی ویژگی‌های هویتی مانند مکان یا زمان تولد یا دختر و پسر بودن نقشی نداریم (اکتسابی)؛ اما بسیاری از ویژگی‌های هویتی مانند صفات اخلاقی و روانی را خودمان شکل می‌دهیم یا در شکل‌گیری آنها نقش و سهم زیادی داریم (اکتسابی). بعضی ویژگی‌ها هستند که در به دست آوردنشان نقشی نداریم اما با تلاش می‌توانیم آنها را تغییر دهیم؛ مانند موقعیت اجتماعی که در زمان تولد از طریق خانواده به ما داده می‌شود و ما در طول زندگی، می‌توانیم آن را تغییر دهیم.

آیا هویت‌مان تغییر می‌کند؟ برخی از ویژگی‌های هویتی تغییر می‌کنند؛ مانند جایگاه فرد در جامعه که تابع دنیایی، توانایی و دارایی نیست، ولی برخی ویژگی‌ها تغییر نمی‌کنند؛ مانند زمان و مکان تولد.

هر فردی در طول زندگی خود، تغییرات هویتی بسیاری را پشت سر می‌گذارد؛ مثلاً از نوزادی، کودکی، نوجوانی و جوانی یا از بی‌سوادی، کم‌سواد، دانشمندی و فرهیختگی می‌گذرد؛ ولی خود می‌داند همان شخصی است که همه آن تغییرات را سپری کرده است.

آیا هویت ما صرفاً اجتماعی است؟ فرد بدون ارتباط با دیگران یا عضویت در گروه‌های اجتماعی نمی‌تواند برخی ویژگی‌ها را داشته باشد؛ مثلاً ما فقط یا عضویت در جامعه ایران، ایرانی محسوب می‌شویم؛ در حالی که زرنگی یا تنبلی و صبوری یا زودرنجی ویژگی‌های فردی ما هستند.

سخن‌انگیز و پندآموز

گفته‌اند یوسف را دو چیز بود بر کمال؛ یکی حسن خلقت (جمال و زیبایی) و دیگری حسن سیرت (علم و معرفت).
و خداوند تقدیر چنان کرد که جمال وی سبب بلاگشت و علم وی سبب نجات، تا عالمیان بدانند که علم تیکو به از صورت تیکو.

(کشف‌الاستار و عهد الانوار، رشیدالدین میمنی)



● هویت فردی



● هویت اجتماعی

نمونه بیابانید

در جدول زیر چهار ویژگی هویتی خود را بنویسید و اکتسابی یا انحصاری بودن فردی یا اجتماعی بودن و ثابت یا متغیر بودن آنها را تعیین کنید.

ویژگی‌های من	اکتسابی	انحصاری	فردی	اجتماعی	ثابت	متغیر
زبان	✓		✓			✓
—						
—						
—						

هویت فردی و اجتماعی چه نسبتی با هم دارند؟

هویت دارای دو بعد فردی و اجتماعی است. هویت فردی نیز شامل دو بعد جسمانی و نفسانی است. بنابراین هویت انسان سه بعد دارد:

سبب جسمانی (بدن)

سبب نفسانی (نفس و ویژگی‌های اخلاقی و روانی)

سبب اجتماعی (نفس ها و عضویت فرد در جامعه)

آیا می‌توانید برای هر کدام از این ابعاد، نمونه بیابانید؟ آیا میان این سه بعد ارتباطی وجود دارد؟

با توجه به متن، تصویری مناسب با این قسمت تهیه کنید.



● زهرا لعلی، دارنده مدال طلا در مسابقات جهانی پارالمپیک و نخستین زن ورزشکار ایرانی که موفق شد در کنار ورزشکاران غیر معلول، حضور رقابت در المپیک را نیز کسب کند.

سه بعد، هویت ما از یکدیگر جدا نیستند بلکه با هم تعاملی یا ارتباط متقابل و دوسویه دارند و بر یکدیگر اثر می‌گذارند؛ بدن ما مجرای ارتباط ما با طبیعت و بخشی از آن محسوب می‌شود. نقش و عضویت اجتماعی ما نیز مجرای ارتباط ما با جامعه و بخشی از آن به حساب می‌آید. آیا می‌توانید بگویید هر کدام از مثال‌های زیر نشانگر کدام یک از این رابطه‌هاست؟

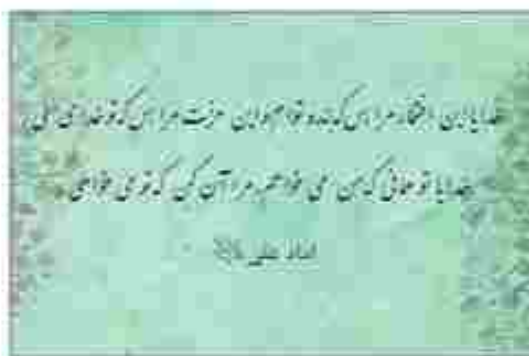
- ترویح بیش از اندازه غذا تیر شوید موجب عصبی شدن انسان‌ها می‌شود.
- برخی بیماری‌های جسمانی به کمک قوای روانی درمان می‌شوند.
- یک انسان یا نقیله جهانی را تغییر می‌دهد (امام خمینی (ره)).
- جوان مؤمن امیدوار پرتلاش پرتلاش پرتلاش پرتلاش دوسته موفق خواهد شد.
- شرافت و وقار و سلحشوری از ویژگی‌های صحرائشیمان است.
- جهان اجتماعی منبع شکوفایی برخی اخلاقیات می‌شود.



تا اینجا با ابعاد مختلف هویت و تعامل آنها با یکدیگر آشنا شدید. ولی پرسش این است که هویت فردی و اجتماعی ما چگونه یا یکدیگر سازگار می‌شوند؟ آیا هر نوع هویت اجتماعی با هر نوع هویت فردی سازگار است؟

تا در هر کاری که اراده ایمنی برقی انجام آن قوی باشد یعنی دچار ضعف و ناتوانی نمی‌شود (امام صادق (ع))
 اولین خلدون در کتاب مقدمه در بیان تکلیف میان شهروندان و پادشاهان، چنین سخنی را برای شهروندان برشمرده است.

هویت هر جامعه‌ای بر اساس عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های آن جامعه شکل می‌گیرد و قواعد، هنجارها و نمادهای آن مشابهاً با عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌ها سلیمان می‌یابند. بنابراین، هویت اجتماعی هر فرد، درون یک جامعه و بر اساس عقاید و ارزش‌های آن شکل می‌گیرد. در جامعه قبیله‌ای، هویت اجتماعی افراد اغلب بر اساس جایگاه آنها در قبیله مشخص می‌شود. در جامعه سرمایه‌داری، هویت اجتماعی افراد بیشتر به دارایی و توان اقتصادی آنها وابسته است. در جامعه دینی، هویت اجتماعی افراد بر اساس عقاید و ارزش‌هایی تعیین می‌شود که آن دین محترم می‌شمارد؛ مثلاً اسلام هویت افراد را با تقوا، عدالت و علم آرزویی می‌کند.



هر جامعه‌ای با توجه به عقاید و ارزش‌هایش با نوع خاصی از هویت اخلاقی و روشی افراد سازگار است و زمینه پیدایش و رشد همان هویت را فراهم می‌آورد و امکان پیدایش و رشد دیگر انواع را تضعیف می‌کند. برای مثال، فرهنگ متجدد با بعضی ویژگی‌های اخلاقی سازگار است که جز ارتباط با آرمان‌ها و ارزش‌های دنیوی آن شکل می‌گیرند، مانند فردگرایی، جمعیت‌شماری، فرصت‌طلبی، انضباط، تحقیرگرایی، تریج، زلف‌طلبی و مال‌اندوزی با بسیاری از ویژگی‌های اخلاقی که بر اساس ارزش‌های معنوی و الهی انسان شکل گرفته باشد، مانند قناعت، حیا، بندگی خدا، تقوا، خوف و رجای الهی، شکر و رضای الهی و توکل سازگار نیست.

هر جامعه‌ای بر اساس هویت خود، با طبیعت و بدن آدمی تعامل می‌کند. نگاه دنیوی فرهنگ جدید غرب و ارزش‌های آن به گونه‌ای است که هر دخل و تصرفی را در طبیعت و بدن مجاز می‌داند. انسان در این فرهنگ هر نوع تصرفی را برای بهره‌برداری بیشتر از طبیعت انجام می‌دهد. در فرهنگ اسلام انسان به عنوان خلیفه خداوند وظیفه عمران و آبادانی طبیعت را به عهده دارد؛ یعنی انسان حق ندارد برخلاف اراده حکیمانه الهی در جهان طبیعت و بدن خود تصرفاتی انجام دهد.



• در گزاینده مسابقات بین‌المللی زیبایی و تناسب اندام، زنانی که توانسته‌اند در کنار توجیه و تمرکز فرهنگ غرب بر بُعد جسمانی، هویت حکایت می‌کنند.



• مسابقات سالانه «استرالیا» یکی از مهم‌ترین مسابقات کلاسیک است که با پیگیری گرفتن ریزه استیج (اصحاحه لعابش) انجام می‌پذیرد. از پیش از قرن 19 جزایر کاناری با رویکردی استعریبی شکل گرفته که زیبایی، تناسب و درخشندگی و بدن خانم‌ها برای سنجش و تمجید قلمداد می‌شد.

مقایسه کنید

به کمک دبیر خود، اخلاق ورزشکاران فرهنگ اسلام (اخلاق پهلوانی) را با اخلاق ورزشکاران فرهنگ متجدد (اخلاق قهرمانی) مقایسه کنید.



• بین گرومینگ و جادوگری، روش تشنگ کشش و به جا آوردن تعادل شکریس از قهرمانی از جمله مراسم آیینی کشش قهرمانی است.



• تانسیس (تجسس) عملکردها کشش در دوره «اسلام» امریکا که در آن کشش با یک دست شش داده شده تا یادآور مبارزه جوانمردانه او باشد. وقتی کشش متوجه شد دیگر مردود آسید نیست، هرگز نه است. این مصداق جریحه تریقت.

پیشینه و تداوم



«جموعهٔ مسنک» جز مسکونی «انتخاب» روایت زندگی شهدای ورزشکار است برای شناسایی بیشتر با اخلاق پهلوانی، قسمتی از این مجموعه با عنوان «پهلوان کوچولو» را که در آن شهید سعید طوقانی معرفی شده‌اند.

خود آگاهی یا ناخود آگاهی؟

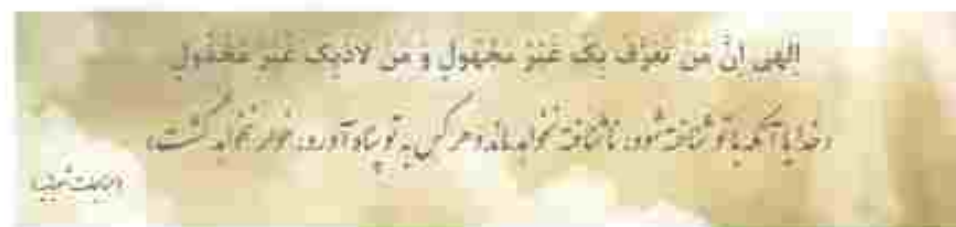


گفت چنی سلفط در اربع اوقات
 بود شاکردیش گفت ای ایستاد
 چون گفتن سوزم من پاکت کنیم
 در گداین جوی در خاکت کنیم
 گفت گر تو بار یازیم ای غلام
 مهن کن هر جا که خواهی ولسلام
 من چو خود را رانده در عمری هزار
 بی تبرده مرنده کن بیی تو بار
 (تغایر)

به نظر شما افراد و گروه‌ها چقدر خود را می‌شناسند؟ شما چقدر خود را می‌شناسید؟ برای شناخت بیشتر و بهتر خود چه راه‌هایی وجود دارد؟

بخشی از هویت آگاهانه است؛ یعنی خود ما آن را می‌شناسیم یا دیگران به آن پی می‌برند و آن را برایمان بازگو می‌کنند اما بخش دیگر برای ما پنهان است و آن را نمی‌شناسیم. ما معمولاً علاقه‌مندیم که خود را به درستی بشناسیم. به همین سبب گاهی درباره ویژگی‌های خود که به آنها ولقب نیستیم، تأمل می‌کنیم و می‌اندیشیم. گاهی برای شناخت بیشتر و بهتر خود از دیگران کمک می‌گیریم؛ مثلاً از والدین و دوستان درباره ضعف‌ها و قوت‌هایمان سؤال می‌کنیم. نزد مشاور، روان‌شناس و روان‌کاو می‌رویم و از آنها مشاوره می‌گیریم. جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان نیز درباره ابعاد اجتماعی هویت انسان بحث می‌کنند و نظراتی ارائه می‌دهند. فیلسوفان هم بحث‌های گسترده‌ای درباره هویت دارند که می‌تواند به شناخت ما از خودمان کمک کند.

پیاسیران و اولیای الهی نیز از دین‌دار درباره بُعد الهی و فطری هویت فردی و اجتماعی انسان‌ها و همچنین غفلت و غراموشی آنها از خویش سخن گفته‌اند.



اندک در حال جان‌گشایی و مریض بود.

ما تردیدی نداریم که گاه در شناخت ویژگی‌های هویتی خود و دیگران دچار اشتباه می‌شویم و خود نظرات متفاوت درباره هویت مشابه این است که امکان خطا و اشتباه در شناخت هویت وجود دارد.

مباحثه کنید

- با توجه به مباحث گفته شده دربارهٔ تعامل و تناسب ایجاد مختلف هویت فردی و اجتماعی، پدیده‌های زیر را تشریح کنید.
- رواج شدید عمل‌های زیبایی در ایران؛ آیا تعلیمی عمل‌های زیبایی برخلاف ارزش‌ها و هنارهای دینی جامعه ایران است؟ آیا عمل‌ها، بسط ارزش‌ها و هنارهای فرهنگ غربی است؟
- رواج ارزش‌های دنیوی از قبیل فردگرایی، تجمل‌گرایی، عال‌تمیزی و... در کشورهای اسلامی
- هزینه پنهان شدن فرزندان و کاهش عواید در کشور
- آسیب‌ها و مسائل زیست‌محیطی تولید شده به وسیله مردم و سازمان‌های عمومی و دولتی در ایران
- خروج آمریکا از یمن، پاریس، کاستن از انتشار گازهای گلخانه‌ای)
- حمایت مردم و دولت ایران از مظلومان جهان
- وقوع جنس‌های زیست‌محیطی در کشورهای غربی و تصویب قوانین سخت‌گیرانه در دفاع از محیط زیست و پدید آمدن تکنولوژی‌های سبز و سبز کارخانه‌ها و صنایع سنگین این کشورها به سایر جوامع
- حمایت همه‌جانبه دولت‌های غربی و برخی از دولت‌های اسلامی از رژیم اشغالگر قدس

بخشیم و بسج دهیم

در مقابل هویت اسلامی

شاه ایران، با اینکه پادشاه یک کشور اسلامی بود و خود را مسلمان معرفی می‌کرد، اما با کشورهای هم‌کاری می‌کرد که با مسلمانان دشمنی دیرینه داشتند و هویت اسلامی سرزمین فلسطین و بیت‌المقدس و مسجدالاقصی را نقی می‌کردند.

به‌طور مثال، رژیم صهیونیستی که سرزمین فلسطین را اشغال کرد و حندها را از فلسطینی‌ها از خانه‌شان آواره ساخت و بسیاری از زنان و مردان و کودکان را کشت، رابطه‌ای صمیمی و محبت‌آمیز با معبدشاه داشت. کمک‌های معبدشاه به این رژیم چنان مؤثر بود که سرنگونی وی تفرقه

سنگینی را بر رژیم صهیونیستی وارد کرد. گزارش خیلی محرمانه کارشناسی فرودگاهی که برای وزارت خارجه خوششان تهیه شده، بی‌تکرار این حقیقت است:

طبقه‌بندی خیلی محرمانه

تاریخ: ۴ ژانویه ۱۹۷۹ (۱۴ تیر ۱۳۵۷)

مفارت آمریکا، تل آویو، وزارت خارجه، ولنگتن
موضوع: اسرائیل و تحولات ایران

۱. خلاصه اسرائیلی‌ها با حالت بهت‌زده و هراسناکی سیر فروریزندگی ایران به اشدت و انتظار می‌رود که قرائن رژیم شاه تعصب گروایی اسلامی توفیق‌وراد در جاورستانه تقویت تعالیه که به‌طور مؤثر بر فروش نفت به اسرائیل تأثیر می‌گذارد هشتاد هزار یهودی ایرانی را در معرض خطر قرار می‌دهد و سپس نسبت منطقی‌ای را که در پی برتری جریان صلح‌خواه میله در سال‌های آتی شامل مهمی می‌باشد مورد تهدید قرار خواهد داد فقط تعداد معدودی از افراد تردید دارند که دولت یحیی تهران رابطه اسرائیل با ایران را قطع نماید. ۲. درست مثل همه مذا اسرائیلی‌ها با حالت بهت‌زده و هراسناکی سیر فروریزندگی ایران به اشدت و انتظار کرده‌اند آنها معتقدند رژیم ثابت قدم و وفادار، دوست و طرفدار غرب شاه به صورت اصلاح‌طلبی از هو پاشیده شده و در انتظار جانشین پیش‌بینی شده‌اش می‌باشند در برخی افراد این شبهه وجود دارد که دولت یحیی تهران به رهبری هر که باشد اکثر و اگر نه تمام جنبه‌های رابطه نزدیک و از روی نفع ایجاد شده بین ایران و اسرائیل، پایان می‌بخشد. از نظر برخی تحلیلگران اسرائیلی فقط یک‌گونه‌ای نظمی به اسرائیل توتالی می‌دهد تا حداقل مقداری از روابط خود را با ایران نجات دهد.

۳. برای اسرائیل یک رابطه نزدیک با ایران از کیفیت عالی و شایسته و همچنین عمیقی سببیکه برخوردار می‌باشد همکاری نظامی و اطلاعاتی برهمنی بر خلاف سایرین دراز بین دو کشور ایجاد شد. شرکت‌های اسرائیلی در پروژه‌های عمرانی و ساختمانی ایران شرکت داشته‌اند که با احتساب صادرات میله ۴۰۰ میلیون دلار به دست آورده‌اند. از نظر سببیکه اسرائیلی‌ها به رابطه نزدیکشان با ایران مسلمان به عنوان تشنه‌ای مثل بر اینکه کشور یهودی در جاور میله از نظر همه مطروحه محسوب نمی‌شود، نگرستان عرجت ایران روابط نیلند. تریک با اسرائیل برقرار نمود ولی معشر رابطه‌ها عنوان می‌شد حتی نمایندگی دیپلماتیک در همه امور عمل کردند. متنها به صورت بی‌لام

منبع: استدلاله جاسوسی آمریکا، جلد ۷، صفحات ۱۵ و ۱۶، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی

سؤال

۱- چرا اسرائیلی‌ها از انقلاب اسلامی ایران سبهوت شده بودند؟

۲- اسرائیل از ارتباطش با ایران، در حوزه‌ها، چه استفاده‌هایی می‌کرد؟

۳- چرا در این سند، اسلام فعال و مخالف خود و مخالف آمریکا و اسرائیل «تعصب گروایی اسلامی توفیق‌وراد» معرفی می‌شود؟

علائقہ اساسی

ہویت

Blank lined writing area for the 'علائقہ اساسی' section.

خلاصہ کنید

۱۔ ایذا متعلقہ ہویت اور لگائی یا یکدیگر، متانہا
تیرا شوق

Blank lined writing area for the 'خلاصہ کنید' section.

انجمن ال ایمن درین امرکتیم

Large blank lined writing area for the 'انجمن ال ایمن درین امرکتیم' section.



درس ششم باز تولید هویت اجتماعی

هویت اجتماعی چگونه شکل می‌گیرد و تداوم می‌یابد؟

در یک کنشوی زنبور عملی چندین گروه زنبور وجود دارد. هر گروه به صورت تدریجی وظایف خود را انجام می‌دهد. آیا انسان‌ها نیز به صورت تدریجی فعالیت‌های گروهی و جمعی خود را انجام می‌دهند؟

انسان برخلاف موجودات دیگر، به صورت تدریجی نمی‌داند چه موقعیتی در جامعه دارد و در این موقعیت چه وظایفی برعهده اوست. انسان باید موقعیت خود را بشناسد، حقوق و تکالیف خود را یاد بگیرد و یا عمل به آنها، هویت اجتماعی خود را شکل دهد.

بنظر شما انسان‌ها چگونه به جایگاه اجتماعی خود پی می‌برند و هویت اجتماعی افراد چگونه شکل می‌گیرد؟

آنها معنای انتقال هویت از نسلی به نسل دیگر است. به گونه‌ای که عمل زحم گذر زمان و پذیرش تغییرات و ویژگی‌های نسلی آن پایدار می‌ماند و تداوم می‌آورد.
آنها نیز، کنشهای فردی بر موجود زنده است که آن را به انجام نمان رفتارهای معینی و امن دارد به این معنا که موجود زنده از بدو تولد معلولیت و مهارت‌هایی غیرکنش‌ها دارد که قابلیت دست‌کاری و تغییر چنانچه نیاز از این رو خلاقیت و تنوع در شیوه زندگی آنها به وجود نمی‌آید.

هر فرد در جامعه‌ای متولد می‌شود که نسل‌های قبل از او آن را ساخته‌اند این جامعه پس از تولد فرد بخشی از هویت اجتماعی او را تعیین می‌کند یعنی آن فرد را به عنوان یکی از اعضای خود به رسمیت می‌شناسد و برای او ویژگی‌هایی متناسب با موقعیتی که در آن قرار گرفته است، در نظر می‌گیرد در این زمینه می‌توان به صدور شناسنامه برای نوزادان اشاره کرد.

هر جامعه‌ای برای بقا و تداوم، عقاید ارزش‌ها و شیوه زندگی خود را به فرد آموزش می‌دهد فرد نیز برای مشارکت در جامعه، این عقاید و ارزش‌ها و هنجارها را می‌آموزد، شیوه زندگی در جامعه را غرامی می‌گیرد و به تدریج، با موقعیتش در جامعه و حقوق و تکالیفی که بر عهده دارد، آشنا می‌شود. فرد با آموزش‌هایی اساسی و ماندگاری که در خانواده می‌بیند، اولین و مهم‌ترین آشنایی‌ها را با جامعه‌ای که در آن متولد شده است پیدا می‌کند. مدرسه، مسجد، مجلس علمی و مذهبی، گروه‌های همسالان و رسانه‌های جمعی از دیگر عوامل آشنایی افراد با جامعه‌ای هستند که در آن زندگی می‌کنند.

به فرایندی که هر فرد برای مشارکت در زندگی اجتماعی دنبال می‌کند و مسیری که برای شکل دادن به هویت اجتماعی افراد علی می‌شود، «جامعه‌پذیری» می‌گویند.



خانواده، مدرسه، مسجد و رسانه‌های جمعی از عوامل آشنایی افراد با جامعه هستند.

فرایند جامعه‌پذیری همواره با موفقیت همراه نیست و ممکن است برخی افراد به‌طور کامل جامعه‌پذیر نشوند در آن صورت جامعه برای استمرار و تداوم خود چه می‌کند؟

ممکن است برخی انسان‌ها هویتی را که جامعه برای آنها در نظر گرفته است، نپذیرند و همواره افرادی هستند که از پذیرش عقاید و ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی سر باز می‌زنند، به حقوق و تکالیف خود پایبند نیستند، نقشی را که جامعه از آنها انتظار دارد، نمی‌پذیرند و رفتارهایی مخالف انجام می‌دهند.

به گش‌هایی که برخلاف عقاید ارزش‌ها و هنجارهای جامعه هستند، «گزروی اجتماعی» می‌گویند. آیا می‌توانید چند نمونه گزروی اجتماعی را بیان کنید؟

هر جامعه‌ای علاوه بر جامعه‌پذیری، برای پیشگیری از کژروی‌های اجتماعی و کنترل آنها، روش‌های «تبلیغ و افتاح»، «تشویق و پاداش» و «تنبیه و مجازات» را به کار می‌گیرد؛ یعنی می‌کوشد تا از طریق آموزش، افراد را قانع کند که عقاید و ارزش‌های جامعه را بپذیرند، به افرادی که مطابق ارزش‌ها و هنجارهای جامعه عمل می‌کنند، پاداش می‌دهد و کسانی را که دچار کژروی اجتماعی شده باشند، مجازات می‌کند.

به مجموعه فعالیت‌هایی که برای پذیرش فرهنگ جامعه و انطباق افراد با انتظارات جامعه انجام می‌گیرد، «کنترل اجتماعی» می‌گویند.



● غبارروبی، اعتراضات و گسارن در مشهد



● روزگردانت پادسرایان و گشت‌شدن جنگ در فرانسه



● هر خطبه‌ای به افرادی که مطابق ارزش‌ها و هنجارهای آن جامعه عمل می‌کنند، پاداش می‌دهد و بدین طریق دیگران را هم ترغیب می‌کند که این عادت و ارزش‌ها را بپذیرند.



● استفاده از دوربین‌های نظارتی در چین برای جلوگیری از گشت در این کشور، کتاب مجازات زیمان به عنوان چاره.

جامعه‌ای که روش‌های مناسبی برای کنترل اجتماعی نداشته باشد، در معرض آسیب‌های بیشتری قرار می‌گیرد و دولت و مقامی آن تهدید می‌شود. امر به معروف و نهی از منکر از جمله راهکارهای اسلام برای جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی است.

ادریه معروف و نهی از منکر در متن زندگی اجتماعی در صدر اسلام، مسلمانان هنگام احوال‌پرسی و خداحافظی، سورهٔ عصر را تلاوت و این گونه یکدیگر را ادر به معروف و نهی از منکر می‌کردند. ابتدا یکی از افراد بخشی از سوره را می‌خواند و فرد مقابل، آن را به زبان می‌رساند.

به نام خداوند بخشنده مهربان

قسم به عصر، که آنمی به راستی در زبان است، مگر آن که ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند و یکدیگر را به رعایت حق سفارش کنند، و یکدیگر را به استقامت و شکیبایی سفارش کنند.

(عبدالرحمن سیوطی، آئین‌نامهٔ شرعی، التفسیر، المآثور)

گفت‌وگو کنید

همواره در برخی از مشاغل و اصناف، افرادی از افراد هستند که به‌طور کلیل و موفق جامعه پذیر نمی‌شوند و برخلاف هنجارهای پذیرفته‌شده عمل می‌کنند، گزرونی‌های ممکن در برخی از مشاغل و اصناف را نام ببرید و در مورد راه‌هایی پیشگیری و کنترل آنها با هم گفت‌وگو کنید.

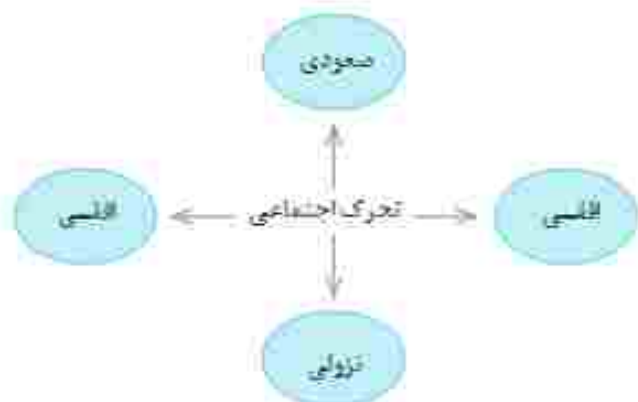
هویت اجتماعی چگونه تغییر می‌کند؟

آنوقتیه که هویت اجتماعی یک فرد ممکن است در طول زندگی او تغییر کند. کسب هویت‌های اجتماعی جدید، یا تغییراتی در موقعیت اجتماعی افراد همراه است یعنی جایگاه فرد در جامعه یا یک گروه اجتماعی را تغییر می‌دهد. به‌طور مثال این تغییرات موقعیتی چه نوعی می‌تواند داشته باشد؟

افراد در بدو تولد، هویت اجتماعی‌اشناسی خود را به‌صورت فعالی (خودشان در این نقش تعارّف) در محیط خانواده و... می‌پذیرند و به تدریج با فعالیت‌هایشان هویت‌اشناسی خود را به دست می‌آورند و متناسب با هویت اجتماعی جدیدشان از موقعیت اجتماعی جدیدی برخوردار می‌شوند.

به‌جایگاه‌هایی افراد از یک موقعیت اجتماعی به موقعیت اجتماعی دیگر «تحرك اجتماعی» می‌گویند.

تحرك اجتماعی انواعی دارد: صعودی، نزولی و افقی.



کارمند یک اداره وقتی مدیر بخشی از آن اداره می‌شود یا مدیر یک بخش هنگامی که مدیر کل می‌شود، تحرک اجتماعی صعودی پیدا کرده است. مدیر اداره وقتی از مدیریت عزل می‌شود و به صورت یک کارمند عادی به کار خود ادامه می‌دهد، تحرک اجتماعی نزولی پیدا کرده است. اگر شخصی شغل خود را تغییر دهد اما شغل جدید، موقعیت اجتماعی او را تغییر ندهد، تحرک اجتماعی افقی دارد؛ مانند کارمندی که از یک بخش اداره به بخش دیگر منتقل می‌شود. آیا می‌توانید برای هر یک از انواع تحرک اجتماعی مثال‌های دیگری بزنید؟ در همه کشورهای رتبه‌بندی مشاغل وجود دارد، ولی این رتبه‌بندی در همه جا یکسان نیست. برخی مشاغل در بعضی کشورها اهمیت بیشتری دارند و در بعضی از کشورها که اهمیت‌ترند. علاوه بر این، باید به یاد داشته باشیم که موقعیت اجتماعی افراد صرفاً تابع مشاغل آنها نیست بلکه به عوامل دیگری مانند علم، ایمان، تقوا، هنر، مهارت و احترام نیز بستگی دارد. آیا می‌توانید به ملاک‌های دیگری اشاره کنید؟ تحرک اجتماعی گاه درون یک نسل، یعنی برای یک فرد در طول زندگی خودش و گاه در دو نسل، یعنی برای یک فرد نسبت به والدینش اتفاق می‌افتد.

بخوانیم و یادآوریم

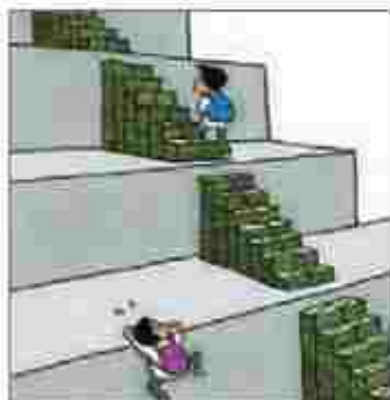
گروه‌های شغلی یا حرفه‌ای، همواره یکی از گروه‌های اجتماعی مهم بوده‌اند. اعضای هر حرفه برای خود نوعی منشور اخلاقی داشته‌اند که دستورالعمل زندگی اعضای آن حرفه را نشان می‌دهد. در ایران «کانوننامه‌ها» نوعی از این منشورهای شغلی بود. کانوننامه عبارت بود از دستورالعمل‌هایی که اهل هر حرفه برای خود داشتند و به استناد آن، هم روابط میان اعضای

حرفه و هم روابط میان حرفه و جامعه را تعیین می‌کنند. از جمله آنها «ظهور نظام بنیان» بود که برخی از عبارات‌های آن به این شرح است:

اگر پرسند که چند اصل است، بنایی را بگو که پنج اصل است، اوّل یا اظهارت بودن، دوم بر جادّه راستی بودن، سیم یا حیا بودن و بنظر از خبر برداشتن، چهارم کم سختی گفتن، پنجم به ادب بودن نزد بزرگان.

اگر پرسند که چند حکم باشد، بنایی را بگو که ده حکم است از علم دین یا خبر باشد، با سخاوت و خیر باشد، در کار خود استاد باشد و آنچه را که انجام دهد، چنان باشد که از برای خود تمایز یا همه کس به خلق نیکو پیش آید، تنگ حوصله نباشد، فلبر دوست باشد و...

برای آشنایی بیشتر با منشورهای شغلی، می‌توانید منشور اخلاقی پزشکان، معلمان و... را مطالعه کنید.



این کارگران کارخانه آجرایی در ایالت چهار هلند در کاست کفس‌ها به‌تازگی آمده‌اند. وظایف معین و مشخصی توسط جامعه بر دوش آنها گذاشته می‌شود، آنکه از فرصت‌های تحرک که نظاره‌های جمعیاتی به‌کار آمدن دهند، برخوردار باشند.

به نظر شما آیا اعضای یک جامعه می‌توانند هر نوع هویت اجتماعی را کسب کنند؟ فرصت‌های پیش‌روی افراد برای تحرک اجتماعی و کسب هویت‌های جدید در جوامع مختلف، یکسان نیست. هر جامعه‌ای به تناسب عقاید و ارزش‌های خود، برخی تحرک‌های اجتماعی و تعبیرات هویتی را تشویق و برخی دیگر را منع می‌کند. برخی هویت‌ها را می‌پذیرد و برخی دیگر را نمی‌پذیرد. آیا می‌توانید مواردی را مثال بزنید؟



فرهنگستان تبعیض نژادی در قرن بیستم با اعلام اینکه «ما با سیاهان به یک مدرسه نخواهیم رفت» جوایز جنایی نژادی در مدارس شد.



فلسف محسوبیت ارتداد از حجاب در مدارس فرانس، فرصت تحصیل و اشتغال را از زنان مسلمان باحجاب سلب می‌کند و نظایر شعار معروف انقلاب فرانسه «آزادی، برابری و برادری» است.

مثلاً جامعه‌ای که بر اساس ارزش‌های نژادی شکل می‌گیرد، صرفاً برای یک نژاد خاصی امکان تحرک اجتماعی صعودی را فراهم می‌آورد. جامعه‌ای که به ارزش‌های اقتصادی اهمیت و اولویت می‌دهد، تحرک اجتماعی صعودی را فقط برای کسانی که ثروت دارند، ممکن می‌سازد. یک جامعه غیردینی، به هویت دینی و معنوی افراد اجازه بروز و ظهور اجتماعی نمی‌دهد. برای نمونه، می‌توان به جلوگیری از تحصیل دختران باحجاب در برخی جوامع غربی اشاره کرد. در یک جامعه دینی و معنوی نیز هویت‌هایی که ابعاد متعالی و الهی وجود انسان را نادیده بگیرند، به رسمیت شناخته نمی‌شوند.

بخوابیم و بیداریم

در جامعه سرمایه‌داری، مالکیت ثروت همراه با شغل از پایه‌های اساسی هویت‌یابی هستند. به همین دلیل، امروزه شغل اهمیت فراوانی پیدا کرده است. در اسلام برخی مشاغل مانند زکواتی و خوام‌دادن انسان مسئولان نباید به آنها نزدیک شوند. برخی مشاغل نیز با اینکه حرام نیستند، ولی از مسلمانان خواسته شده آنها را نپذیرند. این مشاغل مکرره‌اند مانند دلالی، در مقابل، این جهان بعضی مشاغل و حرفه‌ها را تشویق و التزاد را برای اشتغال به آنها ترغیب می‌کند. این دسته مشاغل مستحب‌اند مانند وزارت. انسان باید مراقب عواملی باشد که در تربیت و هویت‌یابی او مؤثرند. شغل نیز، یکی از عوامل تأثیرگذار است. اساس متع و ترغیب اسلام نسبت به مشاغل و حرفه‌ها، آثار مغرب یا سازنده

این حرفه‌ها بر تربیت و هویت انسان‌هاست. اسلام، برخی مشغله‌ها را تحسین می‌کند زیرا انسان‌سازند و برخی حرفه‌ها را مذمت می‌کند زیرا مخرب انسان‌اند. اسلام، تربیت انسان‌های متعالی را هدف آفرینش می‌داند و برای تحقق آن، مراقبت‌های ویژه‌ای را اعمال می‌کند.

گفت‌وگو کنید

تجربیات هویتی تا چه زمانی مورد تأیید و تشویق جامعه قرار می‌گیرند، و از چه زمانی با مخالفت جامعه و مجازات‌های اجتماعی روبه‌رو می‌شوند؟

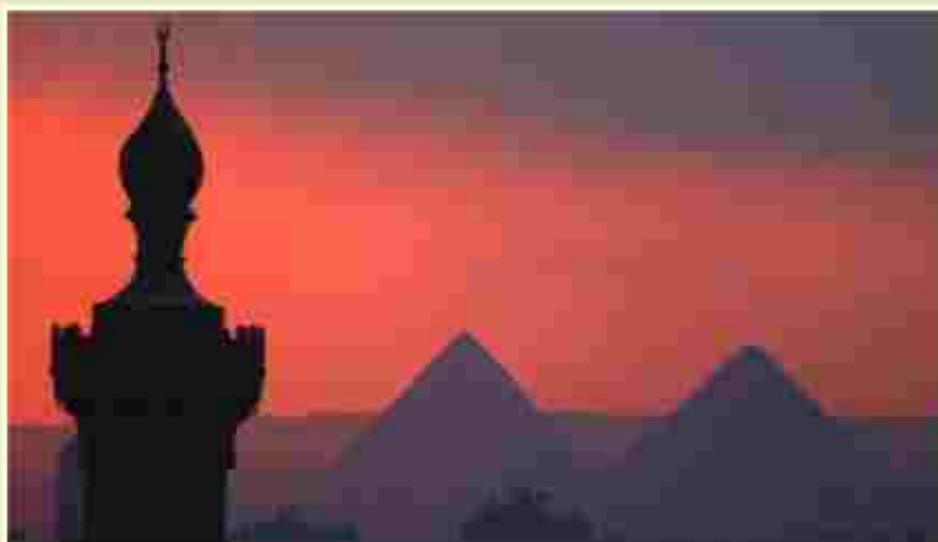
مطالعه ایچ‌اس‌سی

تحریک اجتماعی:

خلاصه کنید

– قدرت‌های پیش روی افراد برای تحریک اجتماعی در
جوامع مختلف چگونه است؟

نجمه از این درس آموختیم:



درس هفتم تحولات هویتی جامعه



تحولات هویتی جامعه چگونه است؟

هویت اجتماعی افراد محصول عضویت گروهی آنهاست؛ برای مثال شهری، روستایی و عشایری بودن ما، نتیجه عضویت ما در یک شهر، روستا یا ایل است. هر جامعه‌ای هم هویت خاصی دارد که از آن با عنوان هویت فرهنگی آن جامعه یاد می‌شود. هویت فرهنگی جامعه چه تفاوتی با هویت اجتماعی افراد دارد؟ هویت فرهنگی جامعه چگونه متحول می‌شود؟

هویت فرهنگی هر جامعه براساس عقاید و ارزش‌های اجتماعی آن شکل می‌گیرد؛ یعنی هرگاه اعضای یک جامعه، عقاید و ارزش‌هایی را بپذیرند و به رسمیت بشناسند، هویت فرهنگی آن جامعه پدید می‌آید.

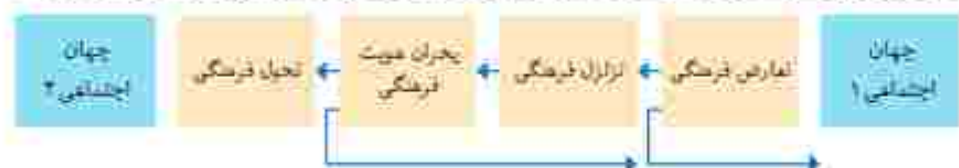
هویت فرهنگی جامعه، گسترده‌تر از هویت اجتماعی افراد است. هویت اجتماعی افراد در پرتو هویت فرهنگی جامعه و متناسب با آن شکل می‌گیرد. هویت فرهنگی جامعه، فرصت شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی متناسب یا خود را پدید می‌آورد و در برابر انواع هویت‌های اجتماعی که با عقاید و ارزش‌های آن ناسازگار باشند، مقاومت می‌کند.

هویت فرهنگی جامعه تا زمانی دوام می‌آورد که عقاید و ارزش‌های مربوط به آن مورد پذیرش اعضای جامعه و برای آنها مهم باشد. هرگاه عقاید و ارزش‌ها، اصعبیت و اعتبار خود را نزد اعضای یک جامعه از دست بدهند، تداوم هویت فرهنگی آن جامعه یا جایش‌هایی مواجه می‌شود.

آموختند که افراد می‌توانند هویت اجتماعی خود را تغییر دهند تا زمانی که تغییرات هویتی افراد در چارچوب عقاید و ارزش‌های اجتماعی پذیرفته شده در جامعه اتفاق بیفتد و با هویت فرهنگی جامعه سازگار باشند. مورد تشویق و تأیید جامعه قرار می‌گیرد؛ برای مثال، فردی که با تلاش و پشتکار، موفقیت اجتماعی خود و دیگران را ارتقا می‌بخشد از طرف جامعه، تأیید و تشویق می‌شود. اما همیشه این گونه نیست. گاهی تغییرات هویتی افراد مطابق عقاید و ارزش‌های جامعه نیست و شیوه‌هایی از زندگی را به دنبال می‌آورد که با عقاید و ارزش‌های جامعه ناسازگار است. این وضعیت اضطراب و نگرانی‌های اجتماعی فراوانی به دنبال دارد. اگر این وضعیت یعنی شیوه ناسازگار با عقاید و ارزش‌های جهان اجتماعی ادامه پیدا کند، عقاید و ارزش‌هایی که هویت فرهنگی جامعه را می‌سازند، مورد تردید قرار می‌گیرند و ثبات خود را از دست می‌دهند. در نتیجه تداوم چنین وضعیتی، جامعه دیگر نمی‌تواند از عقاید و ارزش‌هایش دفاع کند و آنها را حفظ نماید. در این صورت، راه برای تحول هویت فرهنگی جامعه باز می‌شود و جامعه به جامعه‌ای دیگر تبدیل می‌گردد. در این صورت هویت آن متحول می‌شود.^۱

به نظر شما، تحول فرهنگی مثبت است یا منفی؟ آیا رهایی برای ارزیابی تحولات فرهنگی وجود دارد؟

۱- این مراحل بر جامعه‌شناسی به ترتیب تعارض فرهنگی، تضاد فرهنگی، بحران هویت فرهنگی و تحول فرهنگی تبیین شده است.



تحولات فرهنگی می‌توانند مثبت یا منفی باشند. اگر فرهنگی که دچار تحول می‌شود، فرهنگی باطل باشد و جهت تغییرات به سوی فرهنگ حق باشد، تحول فرهنگی مثبت است، اما اگر فرهنگی که اعتبار اجتماعی خود را از دست می‌دهد، فرهنگ حق باشد و جهت تغییرات به سوی فرهنگ باطل باشد، تحول فرهنگی منفی است. تحول جامعه جهانی به جامعه نبوی، تحول فرهنگی مثبت و تحول جامعه نبوی به جامعه اموی، تحول فرهنگی منفی است.

آیا می‌تواند چرا این تحولات رخ می‌دهند و علل بروز آنها چیست؟

علل تحولات فرهنگی به دو دسته درونی و بیرونی تقسیم می‌شوند.

علل درونی بابت ابتداعات و توارثی‌های مثبت و منفی افراد جامعه مربوط می‌شود، یا به کاستی‌ها و بن‌بست‌های موجود در فرهنگ جامعه باز می‌گردد. برای مثال، اگر فرهنگ یک جامعه توان پاسخ‌گویی به نیازهای طبیعی و جسمی یا فطری و معنوی انسان‌ها را نداشته باشد، آن جامعه نشاط زندگی را از دست می‌دهد و گرفتار باین و تالییدی می‌شود. این کاستی‌ها و بن‌بست‌ها، مستمکران و مصلحان اجتماعی را به بازاندیشی در فرهنگ جامعه و بنیان‌های عقیدتی و ارزشی آن فرا می‌خواند و زمینه را برای تحولات فرهنگی فراهم می‌کند.



برخی فرهنگ‌ها نیازهای جسمی انسان را نادیده می‌گیرند.

علت بیرونی تحولات فرهنگی، روبرو شدن و ارتباط جوامع با یکدیگر است، اما آیا هر ارتباطی میان جوامع به تحول فرهنگی منجر می‌شود؟

ارتباط جوامع مختلف با یکدیگر متداول و پذیرفته است. این ارتباط می‌تواند شکلی‌های مختلفی داشته باشد. گاهی روابط در محدوده نمادها، هنجارها و سبک‌های زندگی و گاهی در سطح عقاید و ارزش‌های اجتماعی است. گاهی ارتباط میان جوامع، زمینه‌گسترش و پیشرفت یک جامعه را فراهم می‌آورد و گاهی به تحولات فرهنگی منجر می‌شود. به نظر شما، چه شکلی از ارتباط میان جوامع، تحولات فرهنگی را به دنبال می‌آورد؟

اگر یک جامعه یا حفظ عقاید و ارزش‌های خود یا جوامع دیگر ارتباط برقرار کند و در محدوده هنجارها و سبک‌های زندگی، عنصری را از جوامع دیگر بگیرد و در صورت لزوم تغییرات لازم را در آنها پدید آورد، زمینه‌گسترش و پیشرفت خود را فراهم می‌آورد. جوامع اسلامی

در سده‌های نخستین روبرویی با جوامع دیگر، یا حفظ هویت فرهنگی خود به تعلم یا آنها پرداختند و به همین سبب عناصر سازگار با هویت فرهنگی خود را از آنها گرفتند و در موارد مورد نیاز به بازسازی آن عناصر فرهنگی پرداختند. مثلاً به دلیل اهمیت عقل و عقلانیت در اسلام، جوامع اسلامی در مواجهه با امپراتوری‌های یونان و روم، عناصر عقلی فرهنگ آنها را اخذ کردند. به تناسب فرهنگ توحیدی خود، در این دلیش‌ها دخل و تصرف نمودند اما عناصر مشترک این دو فرهنگ را پذیرفتند مثلاً آثار فلسفی، پزشکی، ریاضی و نجوم آنها را ترجمه کردند ولی آثار تاریخی، ادبی، افسانه‌ها و اسطوره‌های آن را رها کردند.



● الهه‌های یونانی، رومی، آتنا و در یک اثر فلسفی که داستان تولد خدای نگهبان حق را روایت می‌کند.



● متن سوره‌نامه قرآن، پیشگامی که دانش‌محققان رشته پزشکی، معتمد مرشود به این وفادار باشند.

اگر جامعه‌ای در تعلم با جوامع دیگر بر عقاید و ارزش‌های خود پافشاری نکند و به مرور زمان، به عقاید و ارزش‌های خود پشت کند، دچار تحول فرهنگی می‌شود. اگر این جامعه در مسیر تحول فرهنگی، عقاید و ارزش‌های جامعه دیگر را بپذیرد به آن جامعه ملحق می‌شود، مانند مصر باستان و ایران باستان که در ارتباط با جوامع اسلامی، عقاید و ارزش‌های اسلامی را قبول کردند و به جوامع اسلامی ملحق شدند.



● مدرسه قرآنیج در شهر قاسم کشور مراکش در شمال قاره آفریقا قدیمی‌ترین دانشگاه جهان که مدرک دانشگاهی اعطا می‌کرده است گفته می‌شود که این عیبی و این جلدین از این دانشگاه خارج تحصیل شده‌اند.



● نماز عید قربان در جزیره یوگیاکارتای اندونزی در جنوب شرقی آسیا مسلمانان جنوب شرق آسیا از طریق بازرگانان مسلمان با فرهنگ اسلامی آشنا شدند.

اما ممکن است یک جامعه در مواجهه با جامعه دیگر، ضمن پذیرش بخش‌هایی از فرهنگ آن جامعه هویت جدیدی به‌سبب آورده بدون اینکه عقاید و ارزش‌های جامعه مقابل را بپذیرد و به آن ملحق شود، مانند جوامع غربی که پس از رویارویی با جوامع اسلامی طی جنگ‌های صلیبی، بدون اینکه به جامعه و فرهنگ اسلام بپیوندند، تحولات هویتی پیدا کردند و از غرب مسیحی قرون وسطا به غرب سکولار قرون جدید تبدیل شدند و هویت جدیدی پیدا کردند.



تکمه‌ای از کتاب‌هایی منتشر شده این عربی در غرب



معمور میامان لایک قراسون در سال ۱۹۶۵ م کتابی را به صورت مجلس نقلی عرضه رساندند که براساس آن تیغ از آخرین نبردهای حضور اجتماعی خود جدا شد.

در تعامل و دادوستد فرهنگی، اعضای جوامع باید به‌طور فعال و خلاق و با توجه به نیازها و مسائل خود با یکدیگر روبه‌رو شوند. اما اگر اعضای آن، مبهوت و مقهور فرهنگ دیگر شوند و در نتیجه، حالت فعال و خلاق خود را در گزینش عناصر فرهنگی آن جامعه از دست بدهند، جامعه آنها دچار «خودباختگی فرهنگی» می‌شود و در این صورت، عناصر فرهنگی جامعه دیگر را بدون تحقیق و گزینش می‌پذیرد. چنین جامعه‌ای به روش تقلیدی عمل می‌کند و ارتباطش را با تاریخ و فرهنگ خود از دست می‌دهد. بنابراین، نه می‌تواند فرهنگ خود را تداوم بخشد یا گسترش دهد و نه قادر است به جامعه دیگری که شیفته و مبهوت آن شده است، ملحق شود. از اینجا رانده و از اینجا ماند.



افرادات آماتوریک در ترکیه، کشف احزاب غیرنظ عربی به لایق، مسجد اسوقیه، موز، تقویت و مجوز، بخش آن‌ها به زبان ترکی، تشبیه اسکالی با لایق پنج ترکیسم و...

بسیاری از جوامع غیرغربی در رویارویی با جهان غرب، مبهوت و مرعوب قدرت اقتصادی و سیاسی غرب شدند و به همین سبب، دچار خودباختگی فرهنگی گشتند. خودباختگی جوامع غیرغربی در برابر جهان غرب را «عرب زدگی» می‌نامند.

از خود بیگانگی فرهنگی چیست؟

معنی برای اینکه «فلس آموختن را به مطالعه جغرافیا تطبیق کنند می گفت» «آزمی خواهید که نشوید جغرافی بخوانید» این عبارت کلاً درست است ولی انسان صرفاً موجودی مکان مند نیست که مکان را کم کند یا در مکان کم شود. انسان موجودی زمانمند هم هست و ممکن است زمان را کم کند. برای اینکه زمان را کم نکنند باید تاریخ را بشناسند. انسان بُعد اجتماعی و فرهنگی هم دارد و باید جامعه و فرهنگ را هم به خوبی بشناسد تا آنها را کم نکند یا در آنها کم نشود. مهم تر آنکه انسان ممکن است خودش را کم کند. راستی ما خود را چگونه ببینیم؟ به تعبیر امام علی (ع): «خدا رحمت کند کسی را که بداند از کجا آمده، کیست و به کجا می رود».

همه این حالت‌های گم‌شدگی، نه تنها برای افراد، بلکه برای گروه‌ها، ملت‌ها، است‌ها و جوامع نیز ممکن است. جوامع چگونه از خود بیگانه می‌شوند؟

در زبان فارسی «بیگانه» در مقابل «خودی» به کار می‌رود. اما در مواردی ممکن است انسان یا خودش بیگانه شود. به این وضعیت از خودبیگانگی می‌گویند. نه تنها افراد، بلکه جوامع نیز ممکن است دچار از خودبیگانگی شوند که به آن «از خودبیگانگی فرهنگی» گفته می‌شود. به دلیل آنکه هویت جوامع را فرهنگ آنها تعیین می‌کند. از خودبیگانگی فرهنگی چه ابزاری دارد؟ از خودبیگانگی فرهنگی دو معنای متفاوت دارد.

● اگر یک جامعه، فرهنگ تاریخی خود را فراموش کند، دچار «از خودبیگانگی تاریخی» شده است. جامعه خودباخته‌ای که در مواجهه با جامعه دیگری، هویت فرهنگی خود را از یاد می‌برد، به این معنای از خودبیگانگی گرفتار شده است.

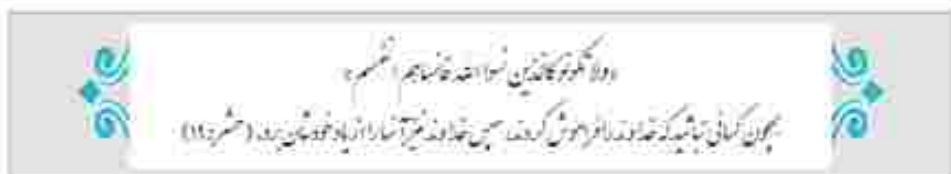
● اگر عقاید و ارزش‌های یک جامعه، منبع انسانی انحصاری آن یا حقیقت انسان و جهان شود، آن جامعه دچار «از خودبیگانگی حقیقی (فطری)» شده است.^۱

فرهنگ‌هایی که بر اساس فطرت انسان شکل نگرفته‌اند و از عقاید و ارزش‌های حق برخوردار نیستند، منبع آن می‌شوند که انسان‌ها به سلاحت صحیح از عالم و آدم برسند. در جوامعی که چنین فرهنگی دارند، انسان‌ها از حقیقت خود و هستی دور می‌مانند. تصویری که این فرهنگ‌ها از انسان ارائه می‌دهند، نه خود حقیقت بلکه سرائی از حقیقت است. به همین سبب، آدمی در چنین جامعه‌ای حتی اگر از رفاه مادی برخوردار باشد، به آرامش نمی‌رسد بلکه به اضطراب و

۱. در صورتی که انضای یک جامعه، واقعیت‌ها و آرمان‌های جامعه خود را فراموش نکند و به آن انضای حقیقی داشته باشد، آن جامعه دارای «هویت تاریخی» است و اگر واقعیت‌ها و آرمان‌های آن جامعه مطابق حق باشند، دارای «هویت حقیقی» و فطری است.

فطرت مجموعه بیسرها و گرایش‌هایی چون حقیقت‌جویی، نصیحت‌خواهی، زینت‌دوستی، خلاقیت، عشق و پرستش در هر نفس انسان است که او را از سایر موجودات متمایز می‌کند. خداوند انسان را نیز فطرت خویش آفریده است. فطرت همین وسط‌ترین آن شدت و ضعف می‌پذیرد و امکان انحراف از آن بی‌وجه دارد. ولی بعضی گمان سرکوب و نابود نمی‌گردد.

نشویش گرفتار می‌شود و در نهایت سر به حسیان و علفیان برمی‌دارد.
از نظر قرآن کریم، لسان هنگامی می‌تواند حقیقت خود و جهان را بشناسد که به لسان و جهان نیکی
توحیدی داشته باشد. فراموش کردن خداوند سبب می‌شود که لسان خود را نیز فراموش کند.



بر اساس این نگاه، تنها فرهنگ توحیدی است که درهای آسمان و زمین را به روی لسان
می‌گشاید و او را با حقیقت خود و جهان هستی آشنا می‌کند. فرهنگ اساطیری و فرهنگ
دنیوی آدمی را لعنتها از حقیقت جهان بلکه از حقیقت خود نیز بیگانه می‌کند.



«خسرو هنر شیراز فرانسوی خانج از عیالهای افغانی بود که از
سال ۱۳۴۶ در شیراز و به ریاست جنج پهلوی در گزار می‌شد و یکی
از کسانه‌های ابدال رژیم پهلوی و ترویج سیاست‌های شرق گمراهانه
بود. سفر وقت انگلستان در ایران در خاطرات خود آورده است
که به شاه گفت: اگر چنین توبیخی در شهر نجاست اجرا می‌شد
کارگردانان و هنرستانان خانج ساله به در نمی‌بردند. شاه مدتی
خسرو و جنج گفت: خاطرات دو سفر، و پیام سوزناک و
سرگشته‌ی پارسین را»



«در تاریخ ۲۵ اسفند ۱۳۵۶ خورشیدی، با تصویب مجلس
شورای ملی و مجلس سگ گاه‌نقاری شاهنشاهی، تقویم
رسمی کشور شد. در این مصوبه مبدأ تقویم خورشیدی از
هجرت پیامبر اسلام به تاریخ تقریبی پنج‌گناری گوروش
تغییر یافت.»

خودباختگی پهلوی دوم

قانون کابینه لاسیون (به معنای مصوبیت همه اتباع آمریکایی حاضر در ایران از رسیدگی قضایی و انگاری این حق به نماینده حقوقی آمریکا بود) در حالی که ایرانیان ساکن آمریکا به هیچ وجه از چنین حقی برخوردار نبودند، که تصویب آن با پیشبینی محکم شاه صورت گرفت. این قانون کاملاً در تعارض با استقلال و هویت ایرانی بود. در زمان تصویب سفیر آمریکا که خوشحال به نظر می‌رسید به ملاقات شاه می‌رود، سند زیرگزارش خیلی محرمانه سفارت از این ملاقات است:

تاریخ: ۱۷ سپتامبر ۱۹۶۴ (۲۶ شهریور ۱۳۴۳)

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

پتانسیل: برای ضبط در پرونده

شاه در حین ملاقات با سفیر در تاریخ ۱۶ سپتامبر به نقل از استیجی گفت لاجرم در محیط وجود دارد که بر سبب آمریکایی و از کابینه لاسیون برخوردار خواهد شد استیجی به شاه گفته بود که اگر این قانون توسط مجلس تصویب شود شاه لایح و تخت سلطنت را از دست خواهد داد. سفیر فوراً سؤال کرد که آیا این موضوع در شاه ایجاد حسد و وحشت کرده است و شاه در پاسخ گفت: نه به هیچ وجه.

سرلشکر انکهزرت

ج. ا. آر. پی. ا.

منبع: اسناد لایحه کابینه لاسیون آمریکا، جلد ۷، شماره ۸، صفحه ۶۰۷، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی

سؤال:

آه چرا استیجی گفت اگر این قانون تصویب شود، شاه حکومتش را از دست خواهد داد؟
 آه چرا شاه می‌خواهد به سفیر آمریکا نشان دهد با اینکه تصویب این قانون خطرهایی دارد ولی او حاضر به انجام آن است؟

* حسن استیجی از دولتمردان دوره پهلوی دوم بود که مسئولیت وزارت کشاورزی (۱۳۳۹ - ۱۳۴۱) و سفارت ایران در ایتالیا (۱۳۴۲ - ۱۳۴۴) را عهده‌دار بود.

هوادیشی کنید

از خوددیده‌نگی حقیقی و تاریخی چه ارتباطی با هم دارند؟ آیا اگر جامعه‌ای به یکی از معانی از خوددیده‌نگی دچار شود، ناگزیر به دیگری هم مبتلا می‌شود؟ یا ممکن است جامعه‌ای در یک معنا از خود دیده‌نگانه نباشد ولی در معنای دیگر از خود دیده‌نگانه باشد؟

علاقمندانی

تجربه‌زدگی:

خلاصه کنید

تاریخچه جوامع انسانی به از خود زیگانگی تاریخی دچار هستند در مقابل جوامع غربی از خود زیگانگی فکری دارند.

آنچه از این درس آموختیم



درس هشتم بعد فرهنگی هویت ایران

هویت ایرانی در گذر زمان چه تحولاتی به خود دیده است؟

افراد معمولاً خود را با ویژگی‌هایی مانند نام، سن، خلق، آبرو، قدرت، تبار، خانواده‌گی، مهارت‌ها، فعالیت، هنرها، هوش، خلق، ایمان و اعتقاد می‌شناسند و به دیگران معرفی می‌کنند. گروه‌ها، اقوام، ملت‌ها و استعمار خود را با ویژگی‌هایی همچون سرزمین، جمعیت، اقتصاد، سیاست، تاریخ، فرهنگ و... می‌شناسند و به دیگران معرفی می‌کنند. ایران و ایرانی با چه ویژگی‌هایی شناخته می‌شوند؟ اسلام چه تغییری در هویت ایرانی داشت است؟

دلمه چلوپزین گشت من است	جهان سر به سرورستان است
هنر بود از زبان است و من	نخند شیر زبان را به گوی
خنده یکدلایان از زبان است	به نیکی نماند از بد هوش
دربعد است ایران که زبان شیر	کلام پندگزار و شیرین شیر
چه آهون باشد من من می‌د	دین بود و پروردگار من می‌د
همه روز یکسره به جنگ آورده	جهان روز به پیش تنگ آورده
گرسویه سوزن به گشتی شده	از آن ره که کشور به دشمنی شده
اگر گشت خیفه بود با روزگار	چه بگویند از موی که در کارزار

فرمودی در این ایات چه تصویر از هویت ایران ارائه می‌کنند؟ (بررسی)

ایران سرزمینی است که بیش از هفت هزار سال قدمت دارد. در این سرزمین، همواره اقوام مختلفی زندگی کرده‌اند. هویت ایرانی قبل از ظهور اسلام، هویتی توحیدی، دینی و در مواردی آمیخته با اساطیر بود. روایتی از این هویت را در شاهنامه فردوسی می‌توان دید. پیش از اسلام، اقوام مختلف ایرانی با آنکه هویت‌های قومی متفاوتی داشتند، در عقاید و ارزش‌های زرتشتی که با باورهای اساطیری درآمیخته بود، مشترک بودند و بر این اساس، هویت فرهنگی واحدی پیدا کرده بودند.

ایرانیان پس از آشنایی با اسلام، عناصر مشترکانه و اساطیری خود را کنار گذاشتند، به تفسیر توحیدی از هویت خویش دست یافتند و با پذیرش عقاید و ارزش‌های اسلامی، ایران به جهان اسلام ملحق گردید و هویت ایرانی بخشی از هویت جهان اسلام شد.

فارسی‌زری از دیرباز به‌عنوان زبان سیاسی دربار ایران، زبان رسمی مشترک اقوام مختلفی بود که در سرزمین پهناور ایران زندگی می‌کردند. این زبان به‌دلیل مشارکت فعال ایرانیان در حیات فکری جهان اسلام، از محدوده زبان سیاسی مشترک اقوام ایرانی فراتر رفت و به عنوان زبان دوم جهان اسلام نیز سرزمین‌های امپراتوری‌های مغورکانی و عثمانی را در برآورد و در مناطقی مختلف جهان اسلام، از هندوستان و تبت تا آسیای صغیر و شبه جزیره بالکان، گسترش یافت. فردوسی، مولوی، سعدی، حافظ و دیگر حکیمان و شاعران ایرانی خدمات بی نظیری انجام دادند که موجب گسترش زبان فارسی در جهان اسلام شد. ایرانیان مسلمان معارف و هنرهای تولید کردند که مسلمانان برای دستیابی به آنها نیازمند آموختن زبان فارسی بودند.



جوامع اسلامی، از جمله ایران، در طول تاریخ اسلامی خود با هجوم نظامی و سیاسی اقوام مختلف مواجه شده‌اند. جهان اسلام چگونه با این ضربه‌ها مقابله کرده؟ مسلمانان در سده‌های مختلف، با مانند آنچه در جنگ‌های صلیبی گذشت، مهاجمان را دفع کردند و یا مانند آنچه در حمله مغول رخ داد، مهاجمان را درون فرهنگ خود جذب و هضم کردند. لذا مواجهه فرهنگ جدید غرب با جوامع و فرهنگ اسلامی تجربه جدیدی است که هنوز به پایان خود نرسیده است.



● به دستور تاران بن شاهانج (۷۱ هـ ق) محمد رسول الله بر تصویری سرکه‌ها ضرب شد.



● عازان خان در حال قران قران او هفتمین سلطان از سلسله ایلخانان ایران بود که به اسلام نظر آورد و اسلام را ترویج رسمی اعلام کرد.

پژوهش و باقی‌مانده

مسائل مشترک اسلام و ایران هم برای اسلام انتخاب‌آمیز است هم برای ایران. دین اسلام به حکم محتوای غنی خود ملای باهوش و متفکرین و صاحب فرهنگ را شایسته خود ساخته است و علت ایران به حکم روح حقیقت‌خواهانه‌ی تعصب و فرهنگ‌گوست خود، بیش از هر علت دیگری در برابر حقیقت‌خسوع گردهم در راهش فداکاری نموده است. تمدن ایران قبل از اسلام یکی از پایه‌های تمدن اسلامی است. اسلام به تمدن ایران، حیاتی تازه بخشید و تعیین ایران جانی تازه و شکلی تازه گرفت. اسلام توحید را در متعالی‌ترین شکلی به ایرانی و غیرایرانی آموخت. اصل توحید را پایه اصلی قرار داد که علاوه بر مبنای فلسفی خود، محرک و مشوق فکر و اندیشه است. ایرانی در دوره اسلامی نبوغ فکری و علمی خود را در اجلی درجه نشان داد. ایرانیان در تولید علم و فرهنگ در تمدن اسلامی در رشته‌های قرابت و تفسیر، حدیث و روایت، فقه و فطانت، کلام، فلسفه و حکمت، عرفان و تصوف، ذوق احساسی، هنر و فن از سرآمدان مسلمانان بودند. ایرانیان در نشر و تبلیغ، در سرپازی و فداکاری برای اسلام خدمات بسیار شایسته‌ای کرده‌اند. خدائاتی از روی صمیمیت، اخلاص و ایمان، ایرانیان شریعت اسلام را به کشمیر، هند، چین، جنوب شرق آسیا، آفریقای شرقی و مغرب و شمال آفریقا و از آنجا تا اندلس بردند. ایرانیان چندین برابر جمعیت خود، مردم سایر جوامع را مسلمان کردند. تمدن ایران فارسی بیش از هر چیز دیگری در خدمت اسلام بوده و این خدمات چهارده قرن دوام داشته است.

خدمات مطابق اسلام و ایران، جهت مرتفع نظیری

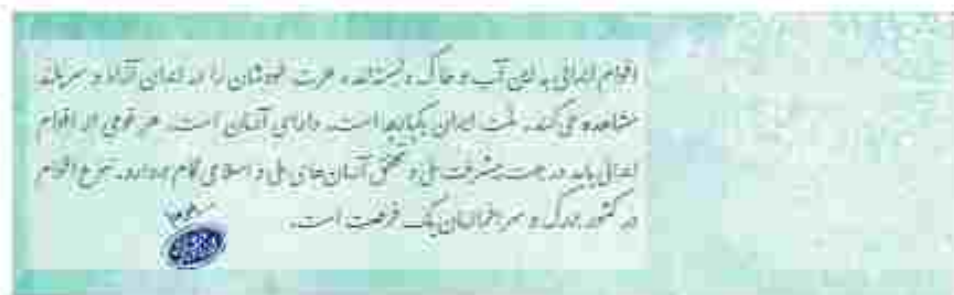
در نخستین رویارویی‌ها، قدرت سیاسی و نظامی جوامع غربی، جوامع اسلامی را به خودیختگی فرهنگی دچار ساخت و این امر سبب شده، تصویری که شرق شناسان و تاریخ‌نگاران غربی از هویت جوامع اسلام القا می‌کردند، در بین جوامع اسلامی و از جمله در جامعه ایران رواج پیدا کند. در دیدگاه مستشرقان، هویت فرهنگی جوامع اسلامی، توحیدی یا ساطیری نیست، بلکه دنیوی است. این هویت در قالب عناصر قوم‌گرا، گه و ناسروالیستی^۱ به بعد تاریخی و جغرافیایی محدود می‌شود و امت و ملت اسلامی را به اقوام مختلف، نظیر ترک و عرب و فارس، تقسیم می‌کند.



۱- تصویر منتشر شده در روزنامه ایران، کشورهای غربی با
چوخته «جمعه المشرق العربی»



۲- تبلیغ فرش ایرانی با موضوع وحدت مسلمانان که در آن اقوام و ملت مختلف مسلمانان را نشان می‌دهد. مدعی به سمت چپ کعبه و آیه «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا» دست بلند کرده‌اند و بالاتر از پرچم کشورهای مسلمان، آیه «هنا امتکم امة واحدة» نقش بسته است.



استشرقان یا شرق شناسان به جسمی از محققان غربی گفته می‌شود که از منظر فرهنگ غرب و اهداف و مواضع غربی، جوامع شرقی و میراث فرهنگی آنها را مطالعه می‌کنند. گمانسروالیست^۲ به مجموعه‌ای از باورها و نماندها گفته می‌شود که دلپسنگی و تمغنی خاطر به ملت و عناصر تشکیل دهنده آن از قبیل سرزمین، نژاد قوم و زبان را اصل قرار می‌دهد و صرفاً تمغنی خاطر به چنین عناصری، از مناسبات انسان‌ها محسوب می‌شود.

متفکران ایرانی از دهه‌های شصتی به بعد، در نقد رویکرد تقلیدی به فرهنگ غرب و هویت‌های کلاسیک که از این طریق ساخته شده بود، کلیه‌های متعددی تدبیر کردند که غرب‌زدگی (جان آل احمد)، بازگشت به خویش (دکتر علی شریعتی)، خدمات متقابل اسلام و ایران و همچنین فطرت (مرتضی مطهری) از جمله آنهاست.

گفت‌وگو کنید

امروزه رسانه‌ها و فضای مجازی با عبور از مرزهای جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی جوامع، تعامل فرهنگی را از سطح محققان و مؤلفان فرهنگی به عموم کاربران و مصرف‌کنندگان فرهنگی منتقل کرده است و از سوی دیگر تعامل فرهنگی را از سطح نمادها و هنارها به عمق عقاید و ارزش‌ها می‌کشاند. بدن وسیله عقاید، ارزش‌ها و فرهنگ‌های توحیدی، اسطوره‌ای و دنیوی با کیفیت و کیفیت نابرابر در شناس هغه قرار می‌گیرند و بدین ترتیب رسانه‌ها و فضای مجازی غرض مهم‌ترین عناصر هویتی می‌شوند.

فضای مجازی چه فرصت‌ها و ننگ‌هایی برای سلف‌نهی درست این منازعه هویتی دارد؟ ما برای پاسداری از هویت فرهنگی خود چه ظرفیت‌هایی بالقوه و بالفعل داریم؟ برای حفظ و بسط هویت فرهنگی خودمان در سطح فردی و اجتماعی (محلی و ملی) منطقه‌ای و جهانی چه تکالیفی داریم؟ شما چه پیشنهاداتی دارید؟

انقلاب اسلامی چه تأثیری بر هویت ایرانی دارد؟

انقلاب‌ها از مهم‌ترین تحولات در هر جامعه‌ای محسوب می‌شوند. یکی از مهم‌ترین بحث‌ها دربارهٔ هویت‌های دستاوردها و پیامدهای آن است. پیامدهای انقلاب را به شیوه‌های مختلفی دسته‌بندی می‌کنند. مثلاً پیامدهای کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت یا پیامدهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی. یکی از مهم‌ترین پیامدهای انقلاب، تحولات هویتی است. انقلاب اسلامی چه تأثیری بر هویت ایران و ایرانی داشته و تأثیرات هویتی آن بر جهان چه بوده است؟



■ آرم‌های انقلاب اسلامی ایران با آرم‌های انقلاب فرانسه و روسیه متفاوت است. انقلاب ۱۳۵۷ روسیه با شعار «تلق، صلح، زمین به سرنگونی روسیه تزاری» و برابری و برابری اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی اتحادیه شعار انقلاب فرانسه «آزادی، برابری و برابری» بود و به تغییر نظام سلطنتی به جمهوری منجر شد. با انقلاب اسلامی ایران، نظام شاهنشاهی به جمهوری اسلامی تغییر یافت.

جغولیم و بدلتیم

برقراری روابط پایدار میان اعضای جامعه نیازمند مکان و سرزمین است. مکان، زمینه ارتباط افرادی را که عقاید و ارزش‌های مشترک دارند، فراهم می‌تورد. به همین دلیل برای مردمی که با هم زندگی می‌کنند، سرزمین یا وطن، ارزشی متفاوت از سایر مکان‌ها پیدا می‌کند و احساس خاصی در آنها به وجود می‌تورد. به گونه‌ای که گاه دفاع از آن را با پای جان و نطق خود می‌دانند. سرزمین، بُعد جغرافیایی هویت جامعه را می‌سازد. افرادی که مدت زیادی با هم زندگی کرده‌اند، سرگذشت و سرنوشت مشترکی پیدا می‌کنند که به صورت خاطره جمعی و مشترک درمی‌آید و از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد. این خاطره در گذر زمان، متراکم و مستحکم می‌شود و بُعد تاریخی هویت جامعه را می‌سازد.

انقلاب اسلامی ایران حاصل یک قرن مقاومت هویت اسلامی - ایرانی جامعه ما در برابر هجوم فرهنگی، سیاسی و اقتصادی غرب بود. بازگشت ایران به اسلام، صرفاً بازگشت به هویت تاریخی و جغرافیایی نبود بلکه بازگشت به هویت توحیدی و معنوی خویش بود. جامعه ایران به رهبری امام خمینی (ع) و با تکیه بر آموزه‌های قرآن و اهل بیت (ع) به هویت اسلامی خود بازگشت؛ تاریخ و جغرافیای خود را ذیل آسمان معنوی توحید قرار داد و به این ترتیب از مرزهای جامعه ایمانی خود و در برابر جهانی که در مقابل او صف کشیده بود، به مدت هشت سال دفاع کرد. این مقاومت، در عرصه‌های مختلف تا امروز ادامه یافته است.



آن کجا!

من باید از نظر علم از همه بزرگتر باشم تا بدانم
که دشمنان از این راه مرا طعمه باشند باید به
آن سگدانی که به پناه علم به مردم نظر
می‌ورزند اکتفا کنم که خاک پای من نخورند
شد باید همه آن تیراندازان مغرور متکبر را به
زخم آبریزه آتش خود خاشاک ترین فرد در زمین
بشمارم.

آیت الله مفسقی، تهران

جامعه ایران با بازگشت به هویت اسلامی خود، که هویتی مستقل، فعال و اثرگذار است، به قلب تند تند بیداری اسلامی^۱ تبدیل شد. اینک جوامع اسلامی دیگر با الهام گرفتن از انقلاب اسلامی ایران، هویت خود را بیرون از تصاویری که فرهنگ غربی القا می‌کرد، جست‌وجو می‌کنند و به این ترتیب، اسلام به عنوان یک قطب فرهنگی^۲ جدید در جهان ظاهر می‌شود. انقلاب اسلامی ایران افق‌های جدیدی را به روی اندیشمندان جهان غرب نیز گشوده و نظریه پردازان غربی را که طی قرن بیستم، دنیوی شدن همه فرهنگ‌ها را سرچشمه مشترک و حتی بشریت می‌دانستند، به تأمل در نظریات پیشین خود و بازبینی آنها مجبور ساخته است.

۱- بیداری اسلامی - مقاومت‌محلی به منظور حفظ حریت و استقلال جهان اسلام در برابر نفوذ و تسلط فرهنگ غرب است که ریشه در فرهنگ اسلامی دارد.

۲- کلین یا مرکزیتی که مردم جهان برای پاسخ به پرسش‌ها و نیازهای خود به‌ویژه پرسش‌های معنوی و معنوی به آن روی آورند.

انقلاب پرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک جلهٔ برافراشته را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همهٔ وسوسه‌هایی که تیرفیلان مقاومت به‌تطور می‌رسیدند، از کرامت خود و اسالت شعارهایش حیانت کرده است. شعارهای جهشی و فطری این انقلاب، یعنی آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، خلاقیت و برابری هیچ‌یک به‌پاک‌انسی و یک جامعه مربوط نیست تا در عوالمی بدرخشد و در عوالمی دیگر افول کند. هرگز نمی‌توان مردمی را تصور کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک بی‌خبر باشند. هرگاه دل‌زدگی پیش آمده، از روی گردانی مسئولان از این ارزش‌های دینی بوده است و نه از پایبندی به آنها و کوشش برای تحقق آنها. انقلاب اسلامی ملت ایران قهر نمند اما مهربان و باگذشت و حتی عظیم بوده است. در هیچ عمرکمی حتی با صدام و آمریکا گلوله‌لول با شلیک نکرده و در همه موارد، پس از حمله دشمن از خود دفاع کرده و البته سیرت متقابل را محکم فرود آورده است. با سراجت و شجاعت در برابر زورگویان و گریختنشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است. این جوهر دینی و عروت انقلابی، این شجاعت و سراجت و قنار، این دامنه عمل جهشی و مطلقه‌ای در کنار مظلومان جهان، مایه سرافرازی ایران و ابرقی است و همواره چنین باد.



شهید قاسم سلیمانی از تربیت‌یافتگان انقلاب اسلامی بود که عمری را به جهاد مجاهدانه در راه خدا و دفاع از مظلومان و مستضعفان جهان گذراند. او از چهره‌های محبوب ایرانیان و آزادی‌خواهان جهان بود که به دستور مستقیم رئیس‌جمهور آمریکا در کشور عراق به



شهادت رسید. دفاع مردم عراق و ایران با ایستادن که یکی از بزرگ‌ترین بدرقه‌های جهان بود و برگزاری صدها مراسم تکریم و راهپیمایی‌های اعتراضی و برخورد در دهها کشور جهان برای خون‌خواهی و انتقام ایشان، جلوه‌ای باشکوه از امتداد فرهنگی انقلاب اسلامی در مطنله و جهان بود.



با اینکه در هیچ سند بین‌المللی، سفیری را با تحریرهای نارسی دولته تشبه است لذا در عمل تحریرهای نارسی، سفارت خاص ایرانی را با مشکلات خودی مواجه کرده است.

ایمان منح گسترش سلاح هسته‌ای، کشورهای جهان را به دو دسته دارای سلاح هسته‌ای و فاقد این نوع سلاح تقسیم کرد و مطابق کن‌انگلی دائم شورای امنیت به طور رسمی صاحب سلاح هسته‌ای تشابه.

تحلیل کنید



حجاب به عنوان نماد هویت جوامع اسلامی در چند سال اخیر قراز و فرودهایی داشته است. در دوران رقابت‌ها، حجاب مسئله و معضل تریون جضعه ایران بود و زنان مسلمان اجازه رعایت شرایط دینی خود را نداشتند. اینک حجاب مسئله کشورهای

اروپایی شده است و برخی از کشورهای اروپایی از ورود زنان با حجاب به مراکز آموزشی معافیت می‌کنند. مسئله شدن حجاب در کشورهای اروپایی را با توجه به هویت فرهنگی جوامع اسلامی تحلیل کنید.

علماء اسلام

هیت ابراہی اسلامی القاضی

خلاصہ کنید

۱۔ ابراہیان یا مشاوت کی حیات فکری جهان اسلام
۲۔ ان قاری راہ ان قوم جهان اسلام قبول کرند

انچه از این درس آموختیم



بعد سیاسی هویت ایران

درس نهم

چه رابطه‌ای میان جامعه و نظام سیاسی آن وجود دارد؟

آیا پدیده‌هایی چون انتخابات، گذرنامه، پرچم، روزها و جشن‌های ملی، مرزهای سیاسی، نیروهای مسلح، جنگ، صلح، سازمان‌ها و ادارات، ماه‌گانه‌ها، شوراهای اسلامی شهر و روستا، روزنامه‌ها، رسانه‌ها، مشاوره‌ها، احزاب و گروه‌های سیاسی، قوه قضائیه، قوه مجریه، قوه مقننه، مجلس خبرگان، رهبری، فکون، قانون اساسی، شیوه‌های حکمرانی و نشانی از هویت جامعه دارند؟ وجه اشتراک این پدیده‌ها چیست؟ هر جامعه علاوه بر هویت فرهنگی از هویت سیاسی نیز برخوردار است. به همین دلیل در معرفی هر جامعه از ویژگی‌های سیاسی آن جمله نظام سیاسی آن نیز یاد می‌کنند. چه رابطه‌ای میان جامعه و نظام سیاسی آن وجود دارد؟

• قدرت و انواع آن

موجودی که بتواند کاری را با انگلی و اراده خود انجام دهد، دارای قدرت است. انسان به دلیل اینکه کارهای خود را با آگاهی و اراده انجام می‌دهد، کنشگری قدرتمند است. لذا قدرت فردی انسان محدود است، او نمی‌تواند همه نیازهای خود را به تنهایی برآورده سازد و برای تأمین برخی از نیازهای خود، به کمک دیگران احتیاج دارد. قدرت اجتماعی هنگامی پدیدار می‌شود که انسان برای رسیدن به اهداف خود بتواند بر اراده دیگران تأثیر بگذارد و کار ارادی دیگران را به خدمت بگیرد. کسانی که توان تأثیرگذاری بیشتری بر اراده دیگران دارند، از قدرت اجتماعی بیشتری برخوردارند. علاوه بر افراد، نهادهای سازمان‌ها و جوامع نیز دارای قدرت اجتماعی هستند.

بغض از شما چه راه‌هایی برای تأثیرگذاری بر اراده دیگران وجود دارد؟



• محمدمصالح، فولدالست معری، آن قدر در میان مردم عصر محبوت وارد که هر شکایتی ریاست جمهوری بدون اینکه تلفظ شود، حدود یک میلیون نفر از مردم به او رالی داده بودند.



در سال ۱۹۸۱، یک زن چینی به جن‌ها و ملائک ۲۰۰ دلار می‌گفت. چون مطابق باور او اجاره نهالت که با داشتن یک فرزند، هزاره صاحب فرزند شش‌ماهه در این ماه آورده، او تا چند سال در دستار و نسبی به تبت رسید و کهدانه از پرورد به تقدیر و استفاده از امکانات و تسهیلات دولتی برخوردار شد.

• سازمان‌های ایران، نهادهای سازمان‌ها و جوامع نیز دارای قدرت اجتماعی هستند.

قدرت مشبول و قدرت مشروع: قدرت اجتماعی بدون پذیرش و توفیق دیگران پدید نمی‌آید؛ یعنی دیگران باید بپذیرند که مطلبی آنچه از آنها خواسته می‌شود، عمل کنند. تنها راه تأثیر گذاردن بر اراده دیگران و به خدمت گرفتن فعالیت ارادی ایشان، جذب تبعیت آنهاست. جذب تبعیت دیگران به دو صورت ممکن است.

تبعیت با کراهت؛ تبعیتی است که ناشی از تهدید و ترس باشد و تبعیت با رضایت؛ تبعیتی است که با رضایت و میل درونی همراه است.

قدرتی که بدون استفاده از تهدید و با رضایت طرف مقابل به دست می آید، دارای مقبولیت است و قدرتی که با مقبولیت همراه باشد و به صورت رسمی پذیرفته شده باشند «اقتدار» نامیده می شود. به نظر شما قدرتی که دیگران با اکراه از آن تبعیت می کنند، تا چه زمانی می تواند مقاوم دانسته باشد؟



استلج در تپه‌ی چمن ناد علی‌رغم تأخیر او برای خروج از اتق، هیچ‌کس جرأت املاش در زند و جاکش یا پرسد چون شب قبل گفته بود، کسی مزاحمت نشود. عهه می‌نرسیدند اینها گفته‌ای برای استلجی و قاتاری مجله باشد.



مجاذبات های سیاسی و انقلابی الهام در زمان صدارتظمین حضرت امام خمینی‌ها می‌پوشد او بر قدیمان و ترویج ایستادگی مردمی باعث تحجیبیت بیشتر در میان مردم شد.

دستید قدرتی که بدون استفاده از تهدید و رضایت تبعیت‌کنندگان به دست می آید، مقبولیت دارد، اما مشروع بودن قدرت معانی دیگری دارد.

بنابراین، مدار مقبولیت، خوشت و آزاده کسانی است که قدرت بر آنها اعمال می‌شود؛ اما مدار مشروعیت، حق و باطل بودن است. البته قدرت مشروع نیز انوعی دارد؛ اگر قدرت مطابق قانون و حکم الهی باشد، مشروعیت حقیقی دارد، اما اگر موافق با ایدئولوژی‌های ساختگی بشری باشد مشروعیت دروغین دارد.

مقبولیت و مشروعیت حقیقی می‌توانند باهم باشند و می‌توانند از یکدیگر جدا باشند. اگر قدرت مطابق قانون و حکم الهی باشد و تبعیت از آن نیز با رضایت و میل همراه باشد، قدرت هم مشروعیت حقیقی دارد و هم مقبولیت اجتماعی. هنگامی که قدرت برخلاف حکم و قانون الهی باشد اما تبعیت از آن از روی رضایت باشد، قدرتی مقبول ولی غیرمشروع شکل می‌گیرد. آیا در جامعه‌ای که فرهنگ مردم، فرهنگ دینی است، قدرت نامشروع می‌تواند مقبولیت داشته باشد؟



■ کشیدی زهری آزادم هند تر مبارزه با
استعمار انگلیس مردم جنبه‌ای تقدیرها است
ایچ بزرگ و با پورا پور ملت با اعتماد



■ مارکین فوتوگرافیکه رهبر پرتره‌ها جنبش
مدنی مساهان آمریکا در سخنرانی مشهور
حرفهای دارم از اینکه خود برای اجتناب
حکومت مساهان سخن گفت



■ رئیس ملی شورایی رهبر محبوب مردم
ترکستان در قیام علیه استعمار انگلیس
۱۳ شهریور به نام او روز ملی مبارزه با
استعمار نام گذاری شده است

امام خمینی ذات تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ توسط دانشجویمان انقلابی را
انقلاب دوم نامیدند. سفارت آمریکا محل توطئه و جاسوسی علیه انقلاب نوپای ایران اسلامی
بود. تسخیر لانه جاسوسی آمریکا اهرم ظلمی و هیمنه خو ساختن آمریکایی‌ها را در جهان
شکست داد.



این حکومت به همه ستمدیدگان جهان جرئت داد
تا برای رهایی خود از سلطه آمریکا دست به کار
شوند. آمریکایی‌ها نیز متوجه شد که زمین پس فعال
و رفتارشان بی پاسخ نخواهد ماند و با واکنش ملت‌ها
روبرو خواهند شد.

پس از تسخیر لانه جاسوسی هزاران صفحه از اسناد جاسوسی و توطئه
آمریکا علیه ملت ایران از داخل سفارتخانه گشای شد که این اسناد
هزارگون در قالب دهها جلد کتاب منتشر شده و مستقیماً بر دشمنی و
دولت آمریکا جنبه شکست مستقل ایران است.

تذکره و پاسخ دهم

نمونه‌هایی از دشمنی آمریکا با ملت ایران از زبان خودشان
در اسناد لانه جاسوسی که اسناد محرمانه آمریکایی هستند، تلمه‌هایی و گزارش‌هایی وجود دارد
که نشان می‌دهد آمریکایی‌ها جز به منافع خودشان در ایران نمی‌اندیشیده‌اند و برای رسیدن به
این منافع نه تنها از حکومت مستبد پهلوی حمایت می‌کردند، بلکه ابزار لازم برای سرکوب ملت

رأیه آنها می‌فاندد و حتی توصیه به سرکوب بیشتر مردم هم می‌کند. به سند زیر نگاه کنید:

از اطلاعات و تحقیقات عبودیت‌آمیز که اکنون

به وزیر و وزارت امور خارجه، باقی‌مانده توجیهی سری

۲ تیر ۱۳۷۸ (۱۱ تیر ۱۳۵۷)

بحران روزه نزدیک ایران

تلاش‌های شاه برای آرام کردن مخالفین خود به شکست انجامیده است. مخالفین به هم می‌پیوندند و از این حرکت سود می‌برند. در حالی که شاه توهانکار و از دست می‌دهد شاه خودش بر مشورت‌هایش با موبلین این موضوع را ابراز داشته است که اقدام سریع در خاموش سازی این اضطراب لازم است، اما به نظر من دست وی قادر است که تصمیم بگیرد که چه باید کرد؟ حقیقتاً در جریان مشورت با موبلین و پارموتز، کاملاً عدم قابلیت خود را در تسلط بر مشکلاتی که با آن روبرو است، نشان داد. شاه تاکنون نتوانسته چه اقدامات نقصی برای اجتناب از تصمیمات سخت، پیش‌بینی چیز دیگری را تنظیم کند...

بدون توجه به چگونگی شکل گرفتن حملات تفضی، مطمئناً سرکوب‌های کوتاه مدت برای ایران بختین به دل‌آزمی‌ها ضروری است. این عمل، در هر حال جواب مشکل سیاسی نیست، زیرا این سرکوب‌ها حتماً به خشونت‌های وسیع‌تری تشبیل خواهد شد و این عمل کل قدرت و باطن را می‌سازد و می‌سازد و برای زدن کل‌ها در صحنه سیاسی ایران حتماً خواهد گذاشت...

اگر شاه هر چه زودتر حرکت مهمی را تقابل با شروع ماه محرم در تاریخ ۱ دسامبر انجام ندهد، مقتضای یکا سری خشونت‌های جنسی به پیش خواهد آمد. ۱۱ محرم (۱۱ دسامبر) روز مخصوص دانشجویان ایرانی مسلمانان ایرانی است و شرکت‌های دیگری از نخست‌وزیران پیشین اظهار داشتند که کار شاه تا آن وقت تمام خواهد بود... مگر اینکه شاه هر چه زودتر در این مورد اقدام کند. احتمال مداخله نظامی بسیار قوی است. نظم افعال شده به وسیله ارتش، به طور قطع بیشتر از شش ماه طول نخواهد کشید. اقتصاد هم اکنون خسارت دیده است و مردم حامی ارتش آموخته‌اند که حتی بدون اسلحه هم می‌توانند در قدرت عظیم سیاسی نقش داشته‌اند. هیچ راهی وجود ندارد که ارتش با زور بتواند میلیون‌ها ایرانی تازه آگاه شده را با وفاداری تحریک‌شده برای سرکوب‌های رژیم پهلوی که به سختی نگهدارنده است، به سر کار بازگرداند.

تهیه شده توسط INP/PNA/SOA گریغین

ملح السید لانه جنسوسی آمریکا، جلد دوم، شماره ۳، صفحه ۱۱، مؤسسه مطالعات پژوهش‌های سیاسی

سؤال:

۱- به نظر شما چرا آمریکایی‌ها به رغم آگاهی از عزم و اراده ملت ایران، سرکوب آنها را به حکومت پهلوی پیشنهاد می‌کردند؟

۲- توصیفات مشابهه آنها از شاه در شرایط بحرانی جلوی چه نکاتی است؟

● قدرت سخت و قدرت نرم

قدرت را می‌توان به قدرت سخت و نرم نیز تقسیم کرد. قدرت سخت قدرتی است که از طریق ابزارهای خشن، با زور و به‌طور آشکار، توسط نهادهای نظامی اعمال می‌شود. اما قدرت نرم به شکل پنهان و از طریق نفوذ فرهنگی، با کمک ابزارهایی مانند رسانه‌ها و نهادهای آموزشی اعمال می‌شود.

در گذشته قدرت سخت یک کشور موجب سلطه سیاسی و اقتصادی بر سایر کشورها می‌شده، اما امروزه قدرت نرم سبب سلطه فرهنگی می‌شود.

نظام آموزشی کشورها از دیگر ابزارهای اعمال قدرت نرم است؛ یعنی یک کشور می‌تواند از طریق نفوذ در نظام آموزشی کشور دیگر، در آن کشور اعمال قدرت کند و فرهنگ و جهان‌بینی نسل‌های آینده‌ساز آن کشور را مطابق منافع و اغراض خود تغییر دهد.

در گذشته نبرد بین دولت‌ها در قلمرو سرزمینی و با ابزار نظامی صورت می‌گرفت و رسانه‌ها خیر آن را منشو می‌کردند، اما امروزه نبرد در حوزه فرهنگ و با ابزار رسانه صورت می‌گیرد و درگیری نظامی، اگر اتفاق بیفتد، در ادامه جنگ فرهنگی رخ می‌دهد.

امروزه بسیاری از کنشگران فردی با استفاده از شبکه‌های اجتماعی، ارتباطات اجتماعی گسترده‌ای در فضای مجازی دارند و به همین دلیل گاهی در عتباته با دولت‌ها تأثیرگذاری اجتماعی و فرهنگی بیشتری دارند. سلبریتی‌ها، ستاره‌های هنری، ورزشی و... از جمله این کنشگران فردی هستند که در برخی موارد می‌توانند جریان‌ساز شوند.

هنگامی که سلطه به شیوه فرهنگی اعمال شود بیشتر مورد رضایت و پذیرش قرار می‌گیرد؛ جامعه‌شناسان از این نوع سلطه به «فرهنگی» تعبیر می‌کنند. سلطه هژمونیک از شیوه‌ها و ابزارهای فرهنگی هستند. هنر و رسانه برای به‌ندسی رضایت عمومی و توجیه برتری جویی خود استفاده می‌کنند. برای نمونه رسانه‌های آمریکایی، اسلام‌هراسی را به‌عنوان شیوه‌ای برای بسط فرهنگی آمریکا به‌کار می‌برند. تا مردم جهان را برای مقابله با اسلام راضی و همراست سازند.



● سلبریتی به معنای ستاره و فرد مشهور است. ستاره‌ها سلبریتی‌ها، خود را مدیون رسانه‌ها هستند. رسانه‌ها نیز از طریق آنها برنامه‌هایی می‌کنند. سلبریتی‌ها گاهی جریان‌ساز شده و جلای خاصی به رادیو می‌افزایند.



● امروزه سلجوق اطلاعات طلبانه‌تری شده‌ای از برنامه‌هایی سری سیا را قائل کرد. این اطلاعات نیز، جاسوسی از شخصیت‌ها و مردم‌نگاری در اطلاعات تلفنی، ایمیل و استفاده از موتورهای جست‌وجوی اینترنت در کشورهای مختلف بود.

● نظام سیاسی و انواع آن

هرگونه قدرت برای رسیدن به هدفی معین سازمان پیدا کند، سیاست پدید می‌آید، زیرا سیاست، اعمال قدرت سازمان‌یافته برای دستیابی به هدفی معین است. سیاست در معنای عام خود، شامل هر نوع تدبیر و سازمان دادن قدرت است. هر جامعه‌ای به تناسب هویت و فرهنگ خود، آرمان‌ها و ارزش‌های ویژه‌ای دارد و نمی‌تواند بدون سیاسی شدن به ارزش‌ها و آرمان‌های خود دست یابد. مجموعه سازوکارهایی که برای اعمال سیاست‌های جامعه وجود دارد، نظام سیاسی را شکل می‌دهد.

در یک جامعه، نظام سیاسی نمی‌تواند مستقل از نظام‌های دیگر مانند نظام فرهنگی، اقتصادی و... باشد؛ بلکه در تعامل با آنها قرار می‌گیرد. نظام سیاسی بر نظام‌های دیگر، به‌ویژه نظام فرهنگی اثر می‌گذارد و از آنها تأثیر می‌پذیرد.

نظام فرهنگی عقیده، ارزش‌ها و اصول حاکم بر نظام سیاسی را تأمین می‌کند و اگر عملکرد نظام سیاسی در جهت عقاید و ارزش‌های فرهنگی جامعه باشد، نظام فرهنگی، مقبولیت دارد؛ اما اگر نظام سیاسی به دلایل داخلی و یا تحت تأثیر و فشار عوامل خارجی، از اصول و ارزش‌های فرهنگی خود عدول کند، نظام فرهنگی مقبولیت نظام سیاسی را کاهش می‌دهد. نظام سیاسی نیز اگر به ارزش‌های فرهنگی جامعه وفادار باشد، با استفاده از مدیریت سیاسی خود، به‌سخت و توسعه فرهنگ کمک می‌کند و اگر از ارزش‌ها و آرمان‌های جامعه دور شود، زمینه بحران‌های فرهنگی و هویتی را فراهم می‌سازد. به‌منظر شما چه رابطه‌ای میان نظام اقتصادی و نظام سیاسی وجود دارد؟

گفته شد که جامعه دارای هویت سیاسی است؛ جامعه یا پذیرش یک نظام سیاسی خاص، هویت سیاسی پیدا می‌کند یا چه ملاک‌هایی می‌تواند نظام سیاسی را مستعیندی کرده و چه نوعی برای نظام سیاسی وجود دارد؟



● شعار جمهوری فرانسه بر سر دروازه کلیسا پس از سقوط سال ۱۹۰۵ م سیاسی بر جدا بی دین از سیاست.



● با تشکیل اتحاد جماهیر شوروی، منزه‌داری دولتی و منزه‌داری اجتماعی به عنوان دوشو، پیشرفت اقتصاد کشاورزی، رواج شد.

9 نظام‌های سیاسی را می‌توان بر اساس ملاک‌های گوناگون به انواع مختلفی دسته‌بندی کرد. الف) بر اساس تعداد افراد تأثیرگذار و تصمیم‌گیرنده؛ با این ملاک، نظام‌های سیاسی به سه دسته تقسیم می‌شوند:

- نظام‌هایی که در آنها یک فرد حاکم است و تصمیم می‌گیرد؛
- نظام‌هایی که در آنها اقلیتی تصمیم‌گیرنده است؛
- نظام‌هایی که در آنها اکثریت مردم در سرزبخت سیاسی خود تأثیرگذارند.

ب) بر اساس روش تصمیم‌گیری؛ با این ملاک، نظام‌های سیاسی به دو دسته تقسیم می‌شوند: نظام‌هایی که در آنها حاکم یا حاکمان بر اساس اهداف و اغراض و امیال خود تصمیم می‌گیرند؛ یعنی هر نوع تصمیمی را برای خود جایز می‌دانند یا آنکه حاکم یا حاکمان بر اساس حقیقت و فضیلت و با توجه به موازین عقلی تصمیم می‌گیرند.

ج) بر اساس دین‌مداری یا دنیامداری؛ نظام‌های سیاسی دینی بر مدار احکام و قوانین الهی سازمان می‌یابد. نظام سیاسی فقط ارزش‌ها و آرمان‌های دنیوی و این‌جهانی را مدنظر قرار می‌دهد.

ارسطو از این دو ملاک اول و دوم برای دسته‌بندی نظام‌های سیاسی استفاده می‌کند و از شش نوع نظام سیاسی نام می‌برد. در سه نوع از این نظام‌های سیاسی، یک فرد، یک اقلیت یا اکثریت بر اساس خواسته‌ها و تمایلاتشان بر جامعه حکومت می‌کنند و در سه نوع دیگر، حکومت یک فرد، اقلیت یا اکثریت بر حقیقت و فضیلت استوار است.

ارسطو، حاکمیت اکثریت را در صورتی که بر مدار خواسته‌های آنها باشد، دموکراسی می‌نامد؛ زیرا دموکراسی به معنای حاکمیت مردم است و در این نوع حاکمیت، مردم بر اساس خواسته‌ها و تمایلات خود حکومت می‌کنند.

او حکومتی را که در آن اکثریت مردم بر اساس حقیقت و فضیلت حضور و فعالیت دارند، جمهوری می‌خواند. او بین حکومت جمهوری و دموکراسی تفاوت می‌گذارد.

دسته‌بندی ارسطو از انواع حکومت‌ها

تعداد حاکمان	روش حکومت	بر اساس حقیقت و فضیلت	بر اساس خواست و میل حاکم
فرد	حکومت استبدادی	مبارسی	استبدادی
اقلیت	حکومت اشرافی	ارستوکراسی	اشرافی
اکثریت	حکومت اکثریتی	جمهوری	دموکراسی

فزاری در گونه‌شناسی نظام‌های سیاسی علاوه بر دو ملاک پیش گفته، ملاک سوم را نیز در نظر می‌گیرد. در دست‌بندی فزاری از نظام سیاسی، مدینه فاضله جنبه‌ای است که بر اساس قوانین الهی شکل می‌گیرد. او جوامعی را که آرمان‌ها و ارزش‌هایشان الهی و عقلایی نباشد، جوامع جاهله می‌نامد و آنها را به نظامی تقسیم می‌کند.

گفت‌وگو کنید

درباره تفاوت جمهوری و دموکراسی از دیدگاه ارسطو گفت‌وگو کنید.

لیبرال دموکراسی و جمهوری اسلامی چه تفاوت‌هایی با هم دارند؟

لیبرال دموکراسی و جمهوری اسلامی دو نوع نظام سیاسی شناخته شده در دنیای امروز هستند. درباره این دو نظام سیاسی چه می‌دانید؟

لیبرالیسم به معنای مباح دانستن همه امور برای انسان هاست و دموکراسی به معنای حاکمیت مردم است. لیبرال دموکراسی نوعی نظام سیاسی است که ادعا می‌کند با خواست و اراده اکثریت مردم سازمان می‌یابد. این نظام سیاسی «هیچ حقیقت و قضیاتی را به رسمیت نمی‌شناسد و حکومتی دنیوی و این جهانی است. این نظام سیاسی با فرهنگ جدید غرب که رویکردی دنیوی به عالم هستی دارد، سازگار است.

جمهوری اسلامی یا مردم‌سالاری دینی، نوع دیگری از نظام سیاسی است که در جهان اجتماعی اسلام مورد توجه قرار گرفته است. عنوان «جمهوری» در این ترکیب به معنای به رسمیت شناختن حضور مؤثر مردم در نظام سیاسی است و کلمه «اسلامی» نشان‌دهنده این است که فعالیت‌ها بر اساس عقاید و ارزش‌های اسلامی سازمان‌یابی کنند. در این نظام سیاسی، قوانین و مقررات با خواست مردم و ذیل اراده و مشیت الهی شکل می‌گیرند. عبودیت، عدالت، استقلال، آزادی، نفی و استغنی، نفی تسلط بیگانه‌ان بر امت اسلامی، امنیت تأمین اجتماعی، عمران و آبادانی، عقلانیت، مشورت و مشارکت در امور عمومی و ارتقای معرفت و آگاهی، از جمله ارزش‌های اجتماعی اسلامی هستند.

در نگاه اسلامی، اخلاص این ارزش‌ها یا آنکه با نظر به مسائل اجتماعی دنیوی هستند، تفسیر دنیوی ندارند، بلکه سیرتی الهی و دینی دارند؛ بنابراین، دستیابی به آنها وظیفه‌ای الهی است و نعمتها منحصر به بهبود زندگی اجتماعی می‌شود بلکه مانند سایر عبادات، موجب تقرب انسان به خداوند نیز می‌شود.

در آموزه‌های اسلامی عبادات هنجاری که بعد اجتماعی وسیع‌تری پیدا می‌کنند ارزش بیشتری می‌یابند. در برخی از روایات، مسئولیت متقابل امت و امام، مهم‌ترین مسئولیت دانسته شده است. امت اسلامی باید از پذیرش طغیوت و قدرت‌های غیر الهی خودداری کند و در شکل‌گیری امانت و ولایت الهی بر اساس موازین و ارزش‌های اسلامی هوشمند و فعال باشد.

مقایسه کنید

حضور مردم در یک حکومت لیبرال دموکراسی چه تفاوتی با حضور مردم در جمهوری اسلامی دارد؟

مباحث مهم اساسی

جمهوری اسلامی

خلاصه کنید

• عدالت، استقلال، آزادی، عدول و ایمانی و تقنین
اجتماعی از جمله ارزش های جمهوری اسلامی هستند.

آنچه از این درس آموختیم



درس نهم ابعاد جمعیتی و اقتصادی هویت ایران



جمعیت هر جامعه چه رابطه‌ای با هویت آن دارد؟

در معرفی جوامع به ویژگی‌های جمعیتی آنها مانند تعداد جمعیت، چولان و پیدر، شهری و روستایی، بیکار و شاغل بودن جمعیت و... اشاره می‌کنند چراکه جمعیت هر جامعه بخشی از هویت آن محسوب می‌شود.

اولین شرط برای هر جامعه، جمعیت آن است. اگر اعضای یک جامعه از بین بروند آن جامعه نابود می‌شود. در صورت نبود یا کمبود جمعیت، بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بر زمین می‌ماند. اما آیا تناقض جمعیت به تنهایی برای بالا و رشد یک جامعه کفایت می‌کند؟ آیا یک جمعیت غیرمستقر و بی‌تفاوت می‌تواند نیازهای جامعه را برطرف سازد؟ به نظر شما جمعیت هر جامعه، بر ثروت، امنیت، قدرت و منزلت آن در میان سایر جوامع چه تأثیری دارد؟ جمعیت یک جامعه چه رابطه‌ای با هویت آن دارد؟

برای پی بردن به رابطه جمعیت و هویت جامعه برخی از مطالب کتاب را مرور کنید. دستتید به مجموعه آگهی‌ها و معانی مشترکی که جامعه براساس آن ساخته می‌شود. فرهنگ می‌گویند و اینکه هویت هر جامعه براساس فرهنگ آن (عقاید و ارزش‌ها) شکل می‌گیرد. بسط و گسترش یک جامعه از طریق گسترش فرهنگ آن صورت می‌گیرد. راه گسترش هر فرهنگ، شناختن (اندیشیدن)، پذیرفتن و عمل کردن به آن است. شناخت فرهنگ، پذیرش و عمل به آن صرفاً از عهده افراد و اعضای جامعه برمی‌آید. اعضای جامعه، حامل فرهنگ و عامل به آن هستند. هر چه حاملان و عاملان یک فرهنگ و معانی آن بیشتر باشند، آن فرهنگ بیشتر گسترش می‌یابد.



حالتی را تصور کنید که یک جامعه تمام اعضای را از دست بدهد آیا تری از زندگی و بقا برای آن باقی می‌ماند؟ افزایش جمعیت یک جامعه زمینه‌ساز گسترش فرهنگ آن است. کاهش جمعیت یک جامعه نیز به محدود شدن گستره فرهنگ آن منجر می‌شود و امکان تسلط جوامع و فرهنگ‌های دیگر بر این جامعه را فراهم می‌آورد. از این رو تأمین جمعیت مناسب برای یک جامعه، مسئله‌ای هویتی است.

پخوانیم و پلنگیم



به خاطر دارم که چند سال پیش، یک روز پدرم پاکتی را به من داد که روی آن نوشته شده بود «اسناد خنوادگی». درون پاکت شجره‌نامه‌ای به چشم می‌خورد. شجره‌نامه‌ای مثل همه شجره‌نامه‌ها، که نشان می‌داد مثلاً سفوفل در سال ۱۸۲۷ متولد شده و در سال ۱۸۸۱ از دنیا رفته است. نام او یا خطی به نام مارا که همسر او بوده و میل شده بود و در زیر نام آن دو، خطوط شاخه شاخه‌ای به چشم می‌خورد که دخترها و پسرهایشان را نشان می‌داد و بعد نوه‌ها و نسل‌های بعدشان را. خطوط را دنبال کردم تا به نام پدر و مادرم و خودم رسیدم. به این فکر می‌کردم که این افراد که بوده‌اند، چگونه روزگار گذرانده‌اند و اصلاً زندگی‌شان چه قایدهای داشته است؟ آنگاه به یاد آیاتی در عهد عتیق افتادم که در آنها به ترتیب نام

افزایش نه چندان شناخته شده می آید و در نسل هشتم به نام داوود علیه السلام می رسد و این گونه از او یاد می کنند که طو پادشاهی بزرگ بود و برگزیده خداوند به فکر می گنم اگر این شجره در جایی قطع شده بود داوود می پدید نمی آمد اگر اجساد من هم نبودند من عتود نمی شدم و اگر من به دنیا نیامده بودم فرزندان و نوادگانم با به این دنیا نمی گذاشته کسی چه می داند شاید هنگام از تولد من پیدایش کسی به بزرگی و سروری داوود در نسل های آینده من باشد شاید یکی از فرزندان یا نوادگان من آهی بزرگ بشود چه حس خوشایندی احتی اگر کسی به یاد لیاوره که من که بودام و چه کرده ام همین قدر که من معیوب باشم برای گذر آیدنگی که شاید داوود در میانشان باشد کاری بزرگ است و البته پس دشوار باید سعی کنم این دنیا را خراب نکنم؛ آن را تکی اصلاح کنم و بدیهتر از آنچه بد من خاوه شده تبدیل نماید با حداقل سعی کنم آن را خراب نکنم و دست نخورده تحویل آیندگان بدهم تا زندگی ام بی اغز نبوده باشد آن وقت آیندگام از من به نیکی یاد خواهند کرد حتی اگر تمام را نماند یا وقتی آن را در شجره نماند خانوادگی می بینند به نظرشان چندان شناخته شده نباشد.

(چهارز هندی، همه کیندیگیریم)

هدف اسلام گسترش فرهنگ اسلامی و توحیدی است. لازمه تحقق این هدف داشتن جمعیت مناسب است؛ بنابراین اگر فرهنگی که با افزایش جمعیت بسط می یابد، فرهنگ حق باشد ته فرهنگ باطل و همچنین افراد و اعضای آن فرهنگ حاصل آن و عاملان فرهنگ حق باشند، افزایش جمعیت ضروری است؛ بدین ترتیب هم کیفیت جمعیت (تعداد لازم و کلیتی) و هم کیفیت جمعیت (حاصل و عامل فرهنگ) در بسط و تقویم هویت فرهنگی یک جامعه مؤثرند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روز محشر به کثرت پیروان خود مباحث می کند:

آیا می دانید جوامع مختلف برای تأمین جمعیت مطلوب خود چه می کنند؟ به نظر شما جامعه ما از نظر جمعیتی چه وضعیتی دارد؟

فرزندآوری نیاز فطری انسان ها و تأمین جمعیت از کارکردهای مهم خانواده است ولی ممکن است در مواقعی اختلال در خانواده جامعه را با کاهش جمعیت مواجه کند. امروزه جوامع عربی به دلایلی مانند بالا رفتن سن ازدواج، افزایش بی بائی، فروریشتن خانواده ها و طلاق، رفاه زدگی، مصرف گرایی و هزینه پنداشتن فرزندان، یا مسئله کاهش جمعیت و عوارضی چون پیری و سالمندی جمعیت مواجه اند.^۱

۱- تقویم خانواده و فرزندآوری در مجامع مختلف نیاز و شناختی است ولی با گسترش فردگرایی و اصلاحات ادب در جامعه این محبت و نیازگری کاهش می یابد که به فرزندآوری گستر و کاهش جمعیت و فرو نهادن جامعه در چاه جمعیتی می انجامد.



وقتی یک جامعه با کاهش یا افزایش جمعیت مواجه می‌شود، نظام سیاسی آن برای حل مشکل جمعیت چاره‌اندیشی می‌کند و با همراهی و همکاری مردم تدابیر و راه‌حلی‌هایی را به اجرا در می‌آورد که «سیاست‌های جمعیتی» نامیده می‌شود. سیاست‌های جمعیتی می‌توانند در جهت افزایش یا کاهش جمعیت باشند.

کشور ما در دوره زمانی، سیاست‌های کاهش جمعیت را اجرا کرد؛ یک بار پیش از انقلاب اسلامی که از سال ۱۳۴۵ تا زمان پیروزی انقلاب به طول انجامید و میزان رشد جمعیت از حدود ۲/۱ به ۲/۷ درصد در سال کاهش یافت و دیگر بار، از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۰ سیاست کاهش جمعیت اتخاذ و اجرا شد که در نتیجه آن میزان رشد سالانه جمعیت از ۲/۹ به ۱/۳ درصد کاهش یافت.

کاهش بیش از حد و کم سابقه رشد سالانه جمعیت در سال‌های اخیر، تغییر و بازنگری در سیاست کاهش جمعیت را ضروری ساخت. در سال ۱۳۹۲ اصول کلی سیاست‌های جمعیتی کشور تصویب شد که در آن به ضرورت‌هایی از جمله افزایش جمعیت جوانی جمعیت، حمایت از زوج‌های جوان و توانمندسازی آنان در تأمین هزینه‌های زندگی و تربیت نسل صالح و کارآمد، ترویج و نهادینه‌سازی سبک زندگی ایرانی-اسلامی، فرهنگ‌سازی برای احترام و تکریم سالمندان و بهره‌مندی از تجارب و توانمندی‌های ایشان، برنامه‌ریزی برای توزیع متعادل جمعیت در نقاط مختلف کشور و توجه شده است.

- برخی کارشناسان معتقدند کاهش جمعیت و قرونط‌آوری بیش از آنکه عتاقو از عوامل اقتصادی باشد منشأ فرهنگی دارد. نظر شما چیست؟ گفت و گو کنید
- به نظر شما تداوم روند کاهشی رشد سالاانه جمعیت، برای کشورمان در آینده چه آثار زیان‌باری در پی دارد؟

اقتصاد هر جامعه چه رابطه‌ای با هویت آن دارد؟

افراد خود را کارآفرین، تولیدکننده، کارگر، کارمند، تاجر و... معرفی می‌کنند. همه ما مصرف‌کننده یا مالیات‌دهنده نیز هستیم ولی به دلیل اینکه ما را از دیگران متمایز نمی‌کند آن را به زبان نمی‌گوئیم. برخی از افراد، کم‌فروش، متشکر، ذلیل و... هستند ولی به دلیل فشارش بودن، این کار خود را مطلق می‌کنند. آیا این عناوین همه، نشان‌دهنده هویت اقتصادی افراد نیست؟

آیا تنها می‌توان از هویت اقتصادی افراد سخن گفت؟ یا آنکه گروه‌ها، سازمان‌ها، کشورها و جوامع هم دارای هویت اقتصادی هستند؟ جوامع نیز هویت اقتصادی دارند از این رو در معرفی جوامع، به ویژگی‌های اقتصادی آنها اشاره می‌کنند؛ مثلاً از اقتصادهای دانش‌بنیان، تک‌محصولی (مانند اقتصاد نفتی)، مقاوم/شکننده دستوری، غیرمستوری، سرمایه‌داری، سوسیالیستی، اسلامی و... یاد می‌کنند. ویژگی‌های هویت اقتصادی جامعه ما کدام‌اند؟

اقتصاد امروز ما نتیجه رویدادهای گذشته و عملکردها کنونی است. این اقتصاد از سویی دستاوردهایی مانند گسترش بهره‌مندی مردم از آب، برق، گاز، ارتباطات و ایجاد زیرساخت‌هایی همچون سد‌ها و نیروگاه‌ها، توسعه ظرفیت تولیدی، ارتقای شاخص‌های بهداشت و درمان، پیشرفت در صنایع هسته‌ای و نانو، بازسازی خسارت‌های ناشی از جنگ، جبران برخی عقب‌مشدگی‌های تاریخی، مقابله با تحریم‌ها، گسترش روحیه لیاقت و توجه به مستضعفان و محرومان را در پی داشته است و از سویی دیگر با معضلاتی مانند تورم، بیکاری، وابستگی به نفت، توزیع نابرابر درآمد و امکانات، جمع‌گرایی و مصرف‌گرایی دست به گریبان بوده است.

از جمله عوامل شکل‌گیری این اقتصاد در طول تاریخ معاصر ایران، کشف نفت و سرمایه‌های حاصل از فروش نفت به خارجیان بوده است. اگرچه سرمایه‌های نفتی می‌تواند به انواع دارایی‌ها و ثروت‌ها مانند صنایع و کارخانجات تولیدی مختلف تبدیل شود اما اگر به درستی از

آن استفاده نشود، می‌تواند اقتصادی وابسته ایجاد کند که رشد و بقول آن، به قیمت و درآمد نفت وابسته است.

چنین اقتصادی به دلیل آنکه درآمدی هنگفت و بدون زحمت ایجاد می‌کند، باعث شکل‌گیری تولید ملی ضعیف و شکننده‌ای می‌شود که مستقیم و غیرمستقیم وابسته به نفت است. دولت بزرگی به وجود می‌آید که می‌کوشد به کمک درآمدهای نفتی و نه رواج کسب و کار، رفاه اقتصادی را تأمین کند.

این وضعیت می‌تواند در گوناگونی احساس رفاه بیشتری را آن هم با نوسانات زیاد برای مردم به ارمغان آورد؛ اما پایدار نیست. وضعیت شکننده‌ای را به وجود می‌آورد که زمینه سوءاستفاده قدرت‌های جهانی را فراهم می‌آورد. انواع تحریم‌های اقتصادی نفتی و مالی با همین رویکرد علیه کشور ما اتخاذ شده است تا اولاً درآمد نفتی کشور را محدود کنند؛ ثانیاً از انتقال آن به کشور معضمت بزرند.

غرب، هویت خود را بر اساس اقتصاد شکل می‌دهد و سرمایه‌داری عمل اصلی هویت‌یابی افراد و جوامع غربی است. هویت انسان‌ها و جوامع بیش از هر چیز به دارایی و توان اقتصادی آنها وابسته است. همچنین آنها هیچ مانعی را بر سر راه اقتصاد خود بر نمی‌تابند و شیوه‌های اقتصادی ناسازگار با اقتصاد سرمایه‌داری را در سراسر جهان نابود می‌کنند.

بنابراین برخی از کشورهای سلطه‌گر غرب که از سوی اقتصاد را اساس همه چیز می‌پندارند و از سوی دیگر، نمایی شیوه‌های اقتصادی غیراقتصادی را نابود شده می‌بینند، پلنگه آشیل ایران اسلامی را اقتصاد می‌دانند. از این رو جنگ اقتصادی تمام‌عیاری را علیه کشور ما به راه انداخته‌اند.



جمع انبسی میا



ایران در زمینه‌ها گنور برتر تنها در عرصه نانو

در چنین موقعیتی، راه‌های اقتصاد ایران و جایای هویت آن چیست؟ ایران اسلامی، از زمان بازسازی هویت اقتصادی خود را با اجرای قانون اساسی و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی تعقیب می‌کند.

اقتصاد مقاومتی الگویی از اقتصاد پیشرفته، مستقل و مستحکم است که با اعتقاد به تعالیم حیات بخش اسلام و تکیه بر دانش و فناوری و ظرفیت‌های مولد مردمی و دولتی، روحیه جهادی، خلاقیت، نوآوری، امید، همبستگی و حضور فعال و مؤثر در تعاملات جهانی، برای مردم ایران امنیت، رفاه و پیشرفت همراه با عدالت و برابری جهان اسلام و بشریت الگویی ایرانی-اسلامی از رشد و شکوفایی را به ارمغان می‌آورد.

تأمل کنید

حمایت از تولید ملی یکی از راهکارهای تحقق اقتصاد مقاومتی است، اما آیا به معنای خرید چشم بسته کالای داخلی یا هر کیفیت و قیمتی است؟ نقد حمایت از تولید ملی یعنی کمک به صنعت کشور برای تولید کالای با کیفیت و قیمت مناسب، عادلانه و تولیدکنندگان هر کدام در این زمینه وظایفی داریم.

دولت می‌تواند با ارائه تسهیلات به تولیدکننده، ممنوعیت واردات کالاهایی که مشابه داخلی دارند، افزایش تعرفه‌های گمرکی بر کالاهای وارداتی و... از تولید ملی حمایت کند. تولیدکننده باید سودجویی و فرصت‌طلبی را کنار بگذارد و خدمت به مردم و جامعه را ذهنی مهم بشمارد و... ما چگونه می‌توانیم از تولید ملی حمایت کنیم؟

شما تا به حال از کدام کالاهای ایرانی حمایت کرده‌اید؟ چگونه؟ بنظر شما چرا بعضی ترجیح می‌دهند کالای خارجی مصرف کنند؟

شاید در نگاه اول این‌طور به نظر برسد که شما هنوز در انتخاب کالاهای مصرفی در خانواده‌تان نقش چشمانی ندارید، اما اگر کمی بیشتر فکر کنید، می‌بینید که این‌طور نیست. به علاوه، شما می‌توانید دربارهٔ ضرورت حمایت از کالای ایرانی یا اعتنای خانواده‌تان گفت‌وگو کنید و مطالبی را که در این درس خوانده‌اید با آنها در میان بگذارید.

مطالعه و مقایسه

اقتصاد مقاومتی

خلاصه کنید

رشد از این کاهش جمعیت از جنبه منفی و مشکلات کشورهای غربی بود اما امروز جامعه ما هم با این مسئله مواجه شده است.

نجمه از این درس آموختیم

منابع

- آهن، زبیر (۱۳۹۳). مرافق انسانی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی. ترجمه باقر پرهام. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- آل احمد جلال (۱۳۸۶). غربت‌زدگی. تهران: کنگره زمین.
- آقابخش، علی‌اکبر و افشاری، زینب (۱۳۸۷). فرهنگ علوم سیاسی. تهران: چاپار.
- ایرگراسبی، نیکولاس (۱۳۸۸). مرئوس بر جامعه‌شناسی. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نی.
- ارسطو (۱۳۸۶). سیاست. ترجمه حمید سعادت تهران: علمی و فرهنگی.
- ارفو، عماد (۱۳۸۲). هویت ایرانی و حقوق فرهنگی. تهران: سوره مهر.
- برگز، پیترو (۱۳۷۵). ساخت ولایت اجتماعی. ترجمه فریدون مجیدی. تهران: علمی فرهنگی.
- بوئن، ریمون (۱۳۸۷). مطالعاتی در آثار جامعه‌شناسان کلاسیک. ترجمه باقر پرهام. تهران: مرکز.
- بوئن، ریمون (۱۳۹۵). منطق کنش اجتماعی. ترجمه عزت‌الحسنی ایک. تهران: توتیا.
- بورتگیارت، تیتوس (۱۳۸۹). فلس شهر اسلام. ترجمه بهریداد وحدتی. دانشمند تهران: حکمت.
- پازسانید، حمید (۱۳۹۲). جهان‌های اجتماعی. قم: کتاب فردا.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱). هویت اجتماعی. ترجمه تورج پارمندی. تهران: شیرازه.
- جوانی، امین، عبدالله (۱۳۹۱). ملائجه‌تجربیه. قم: اسراء.
- بارنبرف، رالف (۱۳۷۷). انسان اجتماعی. ترجمه غلامرضا غفاری. تهران: گنج.
- باوری اردگانی، رضا (۱۳۸۲). فلاسفی فیلسوف فرهنگ. تهران: علمی.
- راسل، برتراند (۱۳۹۷). قدرت. ترجمه یحیی درویشی. تهران: خوارزمی.
- رحیمی، آتی، عبدالله (۱۳۹۶). واقعیت و روش تبیین کنش انسانی در چهارچوب فلسفه اسلامی. تهران: آفتاب توسعه.
- روشه، جی (۱۳۶۲). کنش اجتماعی. ترجمه هما زنجانی‌زاده. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ریتزر، جورج (۱۳۹۲). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه باقر پرهام. تهران: علمی.
- سو، الین (۱۳۷۸). تغییر اجتماعی و توسعه. ترجمه محمده حبیبی. مقاهری. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- شریعتی، علی (۱۳۸۷). بازگشت به عقب. تهران: قوس.
- ضابطه، حمید (۱۳۸۴). انسانی با مفاهیم انسانی جامعه‌شناسی. تهران: نی.
- لازاری، ایوستر (۱۳۷۹). آردا اهل مذهب. ترجمه جعفر سجادی. تهران: ظهور.
- لازاری، ایوستر (۱۳۷۹). سیاست مذهب. ترجمه جعفر سجادی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- نی، بریلان (۱۳۸۱). فلسفه امروزی علوم اجتماعی. ترجمه خشایار دیبندی. تهران: طرح نو.
- کچچلیان، حسین (۱۳۸۴). تحولات گفتارهای هویتی ایران. تهران: نی.
- کریمزین، رزمناری (۱۳۹۵). طبقه و قسندلی اجتماعی. ترجمه هوشنگ تقی. تهران: نی.
- گرابیه، یان (۱۳۹۵). نظریه اجتماعی کلاسیک. ترجمه شهناز سعیدی‌پور. تهران: گنج.

- ترجمه‌های (۱۳۹۵) نظریه اجتماعی مدرن، ترجمه عباس مخبر، تهران: آگه
- کوزر، لوئیس (۱۳۸۰) زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی
- کوئن، برنوس (۱۳۹۴) درآمدی به جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: خوتیا
- میدنر، آنتونی (۱۳۹۳) تجدد و تخصص، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نی
- میدنر، آنتونی (۱۳۹۶) جامعه‌شناسی، ترجمه حسن جاویدیان، تهران: نی
- گیت، مارسل (۱۳۹۲) زبان هر روزگارشان، ترجمه لیلویر مهدیان، تهران: نی
- لیدولو، چارلز (۱۳۶۲) فرهنگ و هویت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: گشت
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۶) خدمت متقابل اسلام و ایران، تهران: صدرا
- نور، جانگس (۱۳۷۱) اخلاقی پروتستان و روح سرمایه‌داری، ترجمه عبدالحمید انصاری، تهران: سمت
- هابرماس، یورگن (۱۳۸۴) نظریه گش از تبانی، ترجمه گمنال یونادی، تهران: روزنامه ایران
- هندی، چارلز (۱۳۸۸) همه کیمیاگریم، ترجمه سعید غاصب طباطبایی، تهران: هرمس
- هیوز، استوارت (۱۳۸۶) کجایی و جامعه، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: علمی و فرهنگی



سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی جهت ابقای نقش خطیر خود در اجرای سدا تحول بنیادین در آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، مشارکت معلمان را به‌منظور یک سیاست اجرایی مهم دنبال می‌کند. برای تحقق این امر در قلمرو نوزده سالانه تعلیمی بر خط اعتبارسنجی کتاب‌های درسی زاهداری شد تا با رعایت نظرات معلمان برآورد کتاب‌های درسی صورت‌گرفته. کتاب‌های درسی را در این سال چینی با کمترین اشکال به دانش‌آموزان و معلمان ارجاع دادیم. علم در انجام مطلوب این فرایند، همکاری همکاران گروه تحقیقی مجتبی آموزشی و پژوهشی استان طاه گروه‌های آموزشی و سیرخانه راهبری دروس و مدیریت محترم پروژه آقای محسن باهنر نقش سازنده‌ای را بر عهده داشتند. ضمن ارج نهادن به تلاش‌های این همکاران، آسای میسران و هنرآموزانی که تلاش‌های خستگی‌ناپذیر این زمینه داشته و با ارائه نظرات خود سازمان را در بهبود محتوای این کتاب یاری کرده‌اند به شرح زیر اعلام می‌شود:

اسامی دبیران و هنرآموزان شرکت کننده در اعتبارسنجی کتاب هویت اجتماعی، م. کد ۱۱۳۲۲۰

ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت	ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت
۱	عبدهاله خانی‌راد	بوشهر	۱۸	مبین بندگاری	اصفهان
۲	تسریع عزیزیان	گروه استان	۱۹	زهرا دهنوی	خراسان رضوی
۳	ایلا تحائفی	خراسان جنوبی	۲۰	خلیلت ابوظالی	اصفهان
۴	سعدیه رحمانپور	آذربایجان شرقی	۲۱	عباس گلشنی	آذربایجان غربی
۵	شیوا نجد	کردستان	۲۲	عبدهاله زلفی اصل	بوشهر
۶	فاطمه صیگری	مرکزی	۲۳	پویان گزادوست	همدان
۷	فرشته حسینیان	ایلام	۲۴	ایران گیانی	قزوین
۸	سپهلا باغی	همدان	۲۵	غداخت جادگری	سیستان و بلوچستان
۹	سحر نوری	چهارمحال	۲۶	پروین بیگ‌زار	تهران
۱۰	محمد نظریه	ایلام	۲۷	لیلا کاخکی	هرمزگان
۱۱	سیدپناه میرفضل	خوزستان	۲۸	محبوبه نورانی	سمنان
۱۲	نرگس قریبعلی‌زاده	گیلان	۲۹	ایراهم حاج حسین	هرمزگان
۱۳	علی عبدالله زاده	گیلان	۳۰	علی ایدنی	شیراز
۱۴	مریم اسماعیلی	خراسان شمالی	۳۱	زهرا خراسانی	قزوین
۱۵	محمدشاه‌ی نوری نوره	لریس	۳۲	اکبر جاهدی قاسم‌پوشایی	آذربایجان شرقی
۱۶	تن‌زاده علی زاده	شهرستان های تهران	۳۳	احمدعلی باقری	تالش
۱۷	سوم پخیری زاده	ارمنستان	۳۴	ولی آقا گلزاره	ارمنستان



معماران محترم، صاحب‌الکاران، دانش‌آموزان عزیز و اولیای آنان می‌توانند آثار اصلاحی خود را درباره مطالب کتاب‌های درسی از طریق سامانه «فارس‌سنجی» از محتوای کتاب درسی، به نشانی «marzar.roshd.ir» یا نامه به نشانی تهران - مشرفی پستی ۲۸۷۲ - ۱۵۸۷۵ ارسال کنند.

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

